



## نظریه گزینش هستی شناسانه: چهار چوبی برای آینده پژوهی پدیده‌های بین المللی<sup>۱</sup>

غلامرضا کحلکی<sup>۲</sup>، عبدالرضا بای<sup>۳</sup>، علی محمدزاده<sup>۴</sup>

### چکیده

سازمان جامعه بین المللی با رویکرد سیستمی به آن، در بردارنده جزء سیستم‌هایی است که تحلیل و آینده پژوهی کنش‌های آن‌ها برای متخصصان حوزه روابط بین الملل اهمیت فراوانی دارد. به کارگیری رویکرد سیستمی برای تحلیل پدیده‌های عرصه بین الملل، مبتنی بر درک کلیت آن‌هاست. بر این اساس، درک منابع، یا آن گونه که نوشتار حاضر به آن اشاره می‌کند، ژن‌های سازنده سیستم‌های عضو سازمان جامعه بین الملل، برای فهم «ادراک»ها و «به‌گزینش»های آن‌ها ضروری است؛ این ژن‌ها در خود، داستان‌هایی را حمل می‌کنند که روایت‌گر چرایی کنش‌های سیستمی است؛ از این رو، تلاش کرده‌ایم تا ضمن ارائه رویکردی نظری برای تحلیل پدیده‌های عرصه بین الملل، به سیستم‌های

### مقاله پژوهشی

#### واژگان کلیدی:

رویکرد سیستمی، تحلیل و آینده پژوهی کنش‌های عرصه بین الملل، گزینش هستی شناسانه، منابع (ژن‌های سیستم)، موتاژن، غایت



۱ برگرفته از رساله دکتری غلامرضا کحلکی، دانش آموخته دکتری دانشگاه آزاد شاهرود با عنوان: «تحلیل سیستمی برگزیت و تأثیر آن بر ثبات اتحادیه اروپا و آینده همگرایی در آن».

۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.  
<https://orcid.org/0000-0001-5818-4795>  
Phdgholamrezakahlaki@gmail.com

۳ استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.  
<https://orcid.org/0000-0002-0930-4540>  
Phd\_bay1979@yahoo.com

۴ استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.  
<https://orcid.org/0000-0002-8240-2390>  
A.mohammadzadeh75@gmail.com

Washington Post (2020). On the Day U.S. Forces Killed Soleimani, They Targeted a Senior Iranian Official in Yemen. January 10; available at: <https://www.washingtonpost.com/world/national-security/on-the-day-us-forces-killed-soleimani-they-launched-another-secret-operation-targeting-a-senior-iranian-official-in-yemen/2020/01/10/>

سیستم هاست، توجه داشته‌ایم. افزون‌براین، از رهگذر رویکرد سیستمی روان‌شناختی، مواردی مانند عمل هم‌گرایی و واگرایی سیستم‌های تشکیل‌دهنده سازمان جامعه بین‌المللی یا تحقق کنش‌های دور از انتظار در آن‌ها را نیز واکاوی کرده‌ایم. نویسندگان پژوهش حاضر بر این نظرند که یادکرد از این‌ها و به‌گنجش‌های غایت‌گرایانه برآمده از مناجات (ژن‌های) سیستم‌ها، قادرند دیدگاه‌های نوین و کاربردی در زمینه‌های علمی و اجتماعی را فراهم کنند.

Ziaei, S. Y. & Yadaei Manab, M. (2016). Foreign Military Intervention in Non-International Armed Conflicts in Perspective of International Law: Scrutinizing Iraq, Syria, Yemen and Bahrain. *Afagh-e-Amniat*, Vol. 32, pp. 123-151.



# Theory of Ontological Selection; a Framework for Futurology of International Phenomena

Golamreza Kahlaki<sup>5</sup>, Abdolreza Bay<sup>6</sup>, Ali Mohammadzadeh<sup>7</sup>

## Abstract

The international community organization with a "systemic approach" to it consists of the following systems whose analysis and future research of their actions is of great importance for experts in the field of international relations. A systemic approach to analyzing international phenomena is based on understanding their totality. Accordingly, an understanding of the sources or, as the present article points out, the "genes" that make up the systems of member organizations of the International Community is essential to understanding their "perceptions" and "best selections." These genes carry stories that tell why systemic actions. An attempt was made to present theories for the analysis of phenomena in the international arena and look at the system with a comprehensive approach and its material and semantic elements should be considered in presenting a theory with the title of "ontological selection". In presenting these theoretical systems, attention was drawn to all analytical elements which should have been considered to present a theoretical system; In fact, were considered the concepts of anthropology, ontology, epistemology, and methodology as well as levels of analysis. Besides, was the attention to the "teleos" which is the result of the materialistic or semantic construction of the identities, ideologies, and goals of the systems. In the present article, through the proposed systematic approach, issues such as the causes of convergence and divergence of the systems that make up the international community or the realization of unexpected actions in them were also addressed. This article believes that by understanding the perceptions and teleological choices of

5 PhD Student in International Relations, Department of Law, Political Science and International Relations, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.  
Phdgholamrezakahlaki@gmail.com

6 Associate Professor of International Relations, Department of Law, Political Science and International Relations, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.  
Phd\_bay1979@yahoo.com

7 Assistant Professor of International Relations, Department of Law, Political Science and International Relations, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.  
a.mohammadzadeh75@gmail.com



۳۰۸

پژوهشنامه ایرانی  
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره  
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

systems, we will be able to analyze and research the future of their actions; Obviously, the proposed theoretical system should be used to analyze various phenomena, which the author will focus on, in the future.

**Keywords:** Systemic Approach, Analysis and future research of international actions, Ontological Selection, Resources (System Genes), Mutation, Teleos.



## مقدمه

تحلیل و آینده‌پژوهی «کنش<sup>۸</sup>»ها و رخدادهای عرصه بین‌الملل، همواره ذهن بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را به خود مشغول داشته است؛ اساساً، این گونه گفته می‌شود که دستیابی به آینده مطلوب، یکی از اصلی‌ترین آرمان‌های عالمان علم سیاست است (Aivazi, 2016, 178). تحلیل پدیده‌های عرصه بین‌الملل و آینده‌پژوهی برون‌دادهای آن، نیازمند انجام پژوهش‌هایی روشمند است. تحلیل درست پدیده‌ها و آینده‌پژوهی آن‌ها، انتخاب‌های گوناگونی را در مورد افق‌های فرارو به کنشگران و «سازمان<sup>۹</sup>»ها می‌نمایاند تا از این رهگذر، بتوانند مطلوب‌ترین آینده پیش‌روی خویش را ترسیم کنند (Bell, 2003, 73). البته لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که منظور، «پیشگویی<sup>۱۰</sup>» کنش‌ها و رخدادهای عرصه بین‌الملل نیست، بلکه «پیش‌بینی<sup>۱۱</sup>» حاصل از قواعد علمی معینی است که همان نظریه‌ها هستند.

برای تحلیل پدیده‌های عرصه بین‌الملل، می‌بایست از «رویکردهای تقلیل‌گرایانه<sup>۱۲</sup>» به آن‌ها گذر کرده و قاعده‌مندی‌های حاکم بر کلیت پدیده را با «رویکردهای کل‌گرایانه<sup>۱۳</sup>» فهم کنیم. به بیان روشن‌تر، می‌بایست از ساده‌سازی تحلیلی پدیده‌ها و توجه به عناصر سازنده آن‌ها به گونه‌ای جزئی و در نظر نگرفتن روابط و تأثیر این عناصر با یکدیگر، گذر کنیم؛ بنابراین، برای فهم پدیده‌ها، باید کلیت پدیده و ارتباط سیستمی میان اجزای آن را در نظر داشته باشیم (Kaveh, 2007, 134-134). براین اساس، اندیشمندان رشته روابط بین‌الملل برای تحلیل و آینده‌پژوهی پدیده‌های این عرصه به «رویکردهایی جامع‌نگر<sup>۱۴</sup>» نیاز دارند. رویکردهای تحلیلی جامع‌نگر، ماهیت «غیرخطی<sup>۱۵</sup>» دارند؛ در شکل شماره (1) تفاوت میان «رویکردهای خطی<sup>۱۵</sup>» و غیرخطی، به تصویر کشیده شده است.

۸. کنش (Action) پیچیده‌تر از رفتار (Behavior) است؛ منظور از کنش، پاسخ فعالانه، ارادی، و خلاق کنشگر (فاعل انسانی یا فاعل شناسا) به محیط است؛ به این معنا که کنش، رفتاری مانند عطسه کردن نیست که غیرارادی بوده و تنها حاکی از وجود یک محرک در بیرون باشد؛ کنش، نیت‌مند و حاکی از وجود کنشگر، هدفمند، و معطوف به اهداف و غایت سیستم است و در خود راهبردها و برنامه‌ریزی‌هایی را دارد که کنشگر به آن‌ها رسیده است. در واقع، هر کنشی در پس خود، معنایی دارد که فاعل شناسا به شرایط خود می‌دهد (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۵۱۰). برای مطالعه بیشتر در این بار مراجعه کنید به: توسلی، غلام‌عباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.

۹. Organization .

۱۰. Prediction .

۱۱. Forecast .

۱۲. Reductive Approaches .

۱۳. Holistic Approaches .

۱۴. Nonlinear .

۱۵. Linear Approaches .



۳۱۰

پژوهشنامه ایرانی  
سیاست بین‌الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره  
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

شکل شماره (۱). رویکردهای خطی و غیرخطی در رویارویی با پدیده‌ها



در پژوهش حاضر تلاش کرده‌ایم، ضمن معرفی چگونگی رویکرد سیستمی به پدیده‌های عرصه بین‌المللی، روشی را برای تحلیل غیرخطی آن‌ها ارائه دهیم؛ روشی جامع که آن را «گزینش هستی‌شناسانه»<sup>۱۶</sup> نامیده‌ایم. در این راستا، ابتدا کوشیده‌ایم تا چستی نظریه گزینش هستی‌شناسانه در تحلیل پدیده‌های عرصه بین‌الملل و ابعاد گوناگون این نظریه را توضیح دهیم. نگارندگان بر این نظر بوده‌اند که برای تحلیل پدیده‌های عرصه بین‌الملل، می‌بایست «داستان پس‌کنش‌های» این عرصه را که در هستی سیستم‌های سازمان جامعه بین‌المللی نهفته است، درک کنیم. بدیهی است، لازم است که در پژوهش‌های آتی، کاربرد این نظریه برای تحلیل پدیده‌های عرصه بین‌الملل ارائه و بررسی شود. علت این جداسازی در معرفی نظریه و ارائه نمونه‌های کاربردی آن، پرهیز از طولانی شدن مقاله بوده است.

### ۱. رهیافت سیستمی در تحلیل پدیده‌های پیرامونی

بیشتر درباره جامعیت سیستمی در تحلیل پدیده‌های عرصه بین‌الملل و چستی آن توضیحاتی داده شد؛ همچنین، اشاره شد که نظریه سیستمی روابط بین‌الملل، در تحلیل پدیده‌های این عرصه، از جامعیت برخوردار است؛ اما منظور از سیستم و رویکرد سیستمی چیست؟ در نوع نگاه به جهان پیرامونی از منظر سیستمی، از یک تک‌سلولی یا یک اتم گرفته تا مجموعه‌های بسیار گسترده و پیچیده‌ای مانند کهکشان‌ها، همگی «سیستم»<sup>۱۷</sup> به‌شمار می‌آیند و حتی پیچیده‌ترین سازمان‌ها و ارتباطات در «عرصه بین‌الملل» را نیز می‌توان در این چارچوب تحلیل کرد.

واژه «سیستم»، از کلمه یونانی "Systema" مرکب از (Syn) به‌معنای «با هم» و "histanai" به‌معنای «سبب برای» مشتق شده است (KhosroPanah & Yazdani Far, 2016, 10) و در فارسی نیز از واژه «نظام» به‌عنوان معادلی برای سیستم استفاده می‌شود (Zouragh, 2007, 41). تعریف‌های متفاوتی برای سیستم ارائه شده است، اما تفاوت‌های نمی‌توان تفاوت چشمگیری میان آن‌ها یافت. اندیشمندان گوناگون تلاش کرده‌اند در تعریف سیستم، کلیت اجزای آن را در کنار یکدیگر در نظر بگیرند؛ نتیجه این گونه تلاش‌ها، تعریف سیستم به این شکل است: «سیستم، عبارت است از اجزای پیوسته و مرتبط به هم که به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که یک کل متشکل از تک‌تک اجزا را به وجود آورند» (Robbins, 1997, 29). در برخی دیگر

از تعریف‌ها، به نتیجه حاصل از فعالیت‌های اجزای تشکیل دهنده سیستم توجه می‌شود و از این رو، چنین تعریفی را می‌توان در این گونه کوشش‌های علمی یافت: «سیستم، مجموعه‌ای از بخش‌ها است که به گونه‌ای مستقل، با یکدیگر برای رسیدن به نتایج و اهداف موردانتظار، برپایه نیازها، کار می‌کنند (Raofi, 2002, 104)».

چنانچه رویکرد، معطوف به اجزای سیستم باشد، می‌بایست سیستم را مجموعه‌ای از «اجزای»<sup>۱۸</sup>، «روابط»<sup>۱۹</sup> بین اجزا، و روابط بین صفات آن‌ها دانست (Jasbi, 1984, 67-88). نوشتار حاضر، سیستم را مجموعه یا گروهی از اجزا و عناصر مادی و معنوی به‌شمار می‌آورد که در درون و بیرون از مرزهای خود، دارای ارتباطات و تعامل‌های غیرخطی شبکه‌ای هستند و برای دستیابی به اهدافی خاص، در مسیری غایت‌گرایانه، با یکدیگر «روابط هم‌افزایانه»<sup>۲۰</sup> داشته و دستاورد «همگرایی»<sup>۲۱</sup> این اجزا در درون و بیرون، تشکیل واحد یا واحدهای پیچیده (سازمان) است.<sup>۲۲</sup>



## ۱۸ . Objects

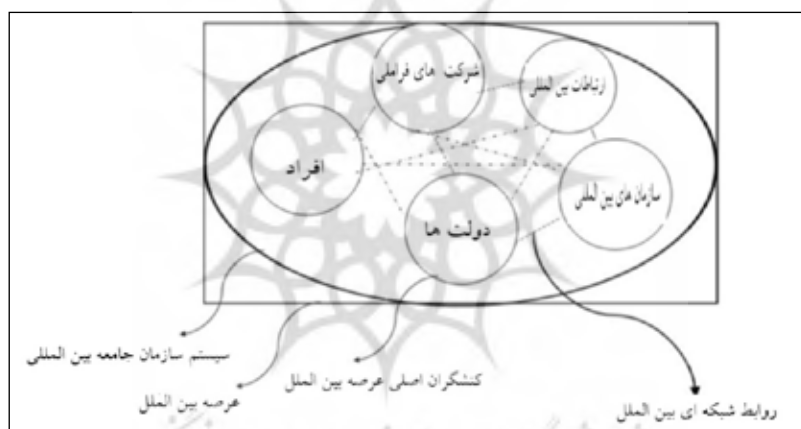
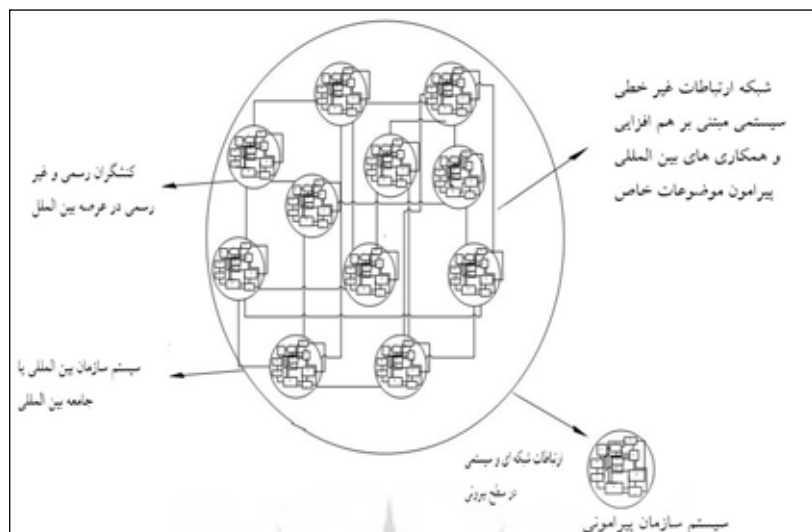
۱۹ . روابط (Relationships)، پیوندهای درونی و بیرونی سیستم هستند که باید در تحلیل آن در نظر گرفته شوند؛ هرچند، ممکن است برای آسان‌سازی تحلیل پدیده، برخی از روابط جزئی سیستم آن کنار گذاشته شوند، ولی باید به این نکته توجه داشت که در سیستم‌ها، آنچه اجزای آن را به‌عنوان منابع سیستم به هم پیوند داده و کنش‌ها و واکنش‌هایش را برمی‌سازد، روابط درونی و بیرونی آن است. روابط سیستم‌ها، ماهیت شبکه‌ای دارند. منظور از این روابط شبکه‌ای (Network Relationships)، مجموعه‌ای از ارتباطات و پیوندها است که میان اجزای سازنده یک سازمان، درون و بیرون آن جریان دارد؛ این پیوندها یا گره‌ها، بیشتر دربردارنده کنش‌ها و واکنش‌ها میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، افراد، شرکت‌های فراملی، و ارتباطات بین‌المللی است و پیوندهای میان آن‌ها، بیانگر انواع گوناگونی از روابط و جریان‌ها مانند: پیمان‌نامه‌ها، قراردادها، پروژه‌های مشترک، تبادل اطلاعات، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، و موارد دیگر از این دست است. در تحلیل شبکه‌ای پدیده‌ها، این شبکه‌های پیچیده و روابط آن‌ها است که ارزیابی می‌شوند. در نمودار شماره (۳)، تلاش شده است تا روابط شبکه‌ای میان کنشگران اصلی عرصه بین‌الملل به‌تصویر کشیده شوند. برای مطالعه بیشتر در این باره، مراجعه کنید به: سلیمی، حسین، سجادی، ماندانا (۱۳۹۵)، «شکل‌گیری نظم شبکه‌ای در روابط بین‌الملل و نقش سرمایه اجتماعی در جست‌وجوی صلح پایدار»، تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۱۸۰-۱۴۹.

## ۲۰ . Synergistic Relations

## ۲۱ . Convergence

۲۲ . درباره اصطلاحات و اجزای این تعریف، در ادامه نوشتار، بیشتر توضیح داده خواهد شد.

شکل شماره (۲). روابط شبکه‌ای میان کنشگران اصلی عرصه بین‌الملل در سازمان جامعه بین‌الملل



همه ما با سیستم بدن یک موجود زنده آشنا هستیم؛ سیستمی متشکل از «سیستم‌های فرعی»<sup>۲۳</sup> فراوان که از کنش متقابل میان این اجزای وابسته، می‌توان شاهد ایجاد پدیده‌ای چون یک موجود زنده بود؛ در این مورد، با مفاهیمی چون «سیستم اصلی»<sup>۲۴</sup>، «سیستم‌های فرعی»<sup>۲۵</sup>، «زیرسیستم‌ها»<sup>۲۶</sup>، و «جزء سیستم‌ها»<sup>۲۶</sup> روبه‌رو هستیم که با در کنار هم قرار گرفتن آنها، سازمان‌ها تشکیل می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، سازمان بدن انسان، یک سیستم اصلی است که دستگاه گوارش، یکی از سیستم‌های فرعی آن است؛ درون این سیستم فرعی نیز،

۲۳ . Subsidiary Systems

۲۴ . Main System

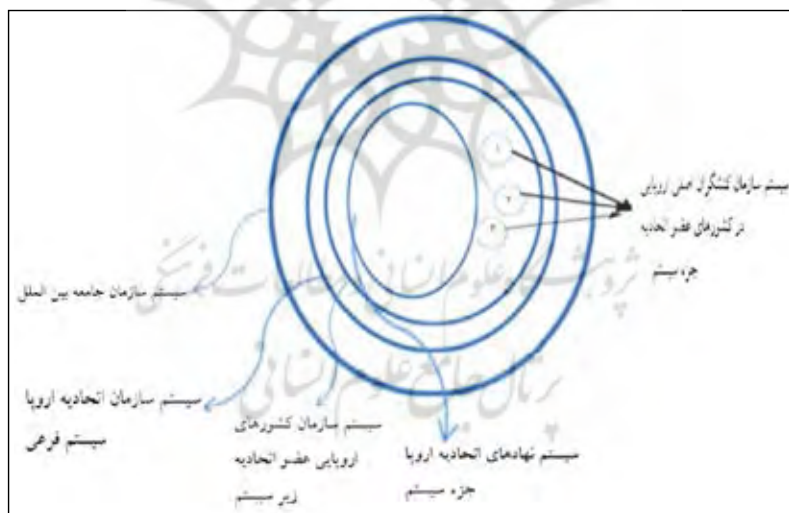
۲۵ . Subsystems

۲۶ . System Component



زیرسیستم‌های دیگری وجود دارند که هر یک از آنها، جزء سیستم‌هایی دارند؛ رابطه دستگاه گوارش با سیستم‌های فرعی خود، مانند رابطه بدن انسان با دستگاه گوارش است، یعنی دستگاه گوارش، سیستم اصلی را تشکیل داده و به‌عنوان نمونه، روده، سیستم فرعی آن به‌شمار می‌آید (Eghedari, 2003, 63-73).

سازمان در نظریه‌های کلاسیک مدیریت، یک «سیستم بسته»<sup>۲۷</sup> در نظر گرفته می‌شد؛ اما در واقع، این گونه نیست و باید سازمان‌ها را دارای روابط درونی و بیرونی گسترده دانست و آن را «سیستمی باز»<sup>۲۸</sup> انگاشت که برای رسیدن به کمال، بایستی خود را با عوامل متغیر درونی و بیرونی، سازگار کند. سازمان‌ها و سیستم‌های سازنده آن‌ها، دو نوع کنش و واکنش را یکی درون و دیگری بیرون از خود دارند. این کنش و واکنش‌های درونی و بیرونی، در سطح سیستم‌های فرعی، زیرسیستم‌ها، و جزء سیستم‌های آن نیز وجود دارند (Kast and Rosenzweig, 1970, 119). در اینجا، برای روشن شدن بیشتر موضوع، نمونه‌ای را از دنیای روابط بین‌الملل، یعنی اتحادیه اروپا، می‌آوریم؛ با تعریف ارائه‌شده، به‌خوبی می‌توان «سازمان جامعه بین‌المللی»<sup>۲۹</sup> را یک سیستم دانست که «اتحادیه اروپا»<sup>۳۰</sup> یکی از سیستم‌های فرعی سازنده آن بوده و خود در شرایط فعلی، از ۲۷ زیرسیستم تشکیل شده است و این اجزا در چارچوب اتحادیه، جزء سیستم‌های آن را به‌عنوان نهادهای اتحادیه اروپا، ایجاد کرده‌اند.



شکل شماره (۳). سیستم سازمان جامعه بین‌الملل و ارتباط اتحادیه اروپا با آن

۲۷ . Closed System

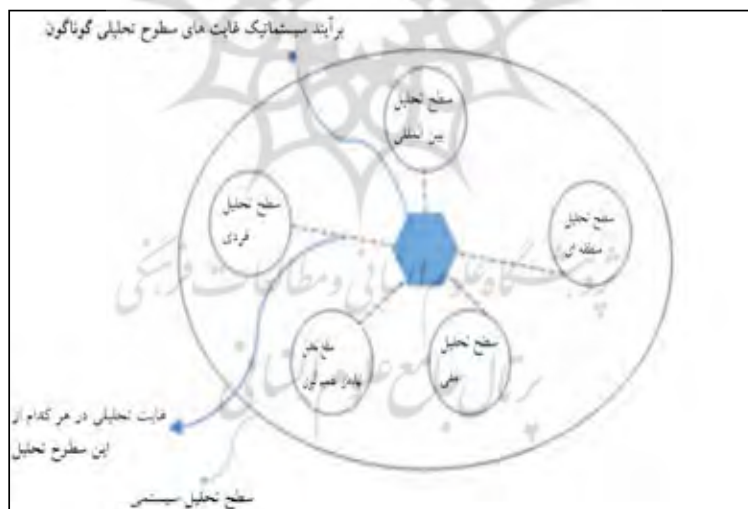
۲۸ . Open Systems

۲۹ . Organization of International Community

۳۰ . EU; European Union

اکنون این مسئله مطرح می‌شود که «سیستمی اندیشیدن به چه معناست؟» در پاسخ، باید به «سطح تحلیل سیستمی پدیده‌ها»<sup>۳۱</sup> اشاره کوتاهی داشته باشیم. در بسیاری از موارد، سطح تحلیل در هریک از نظریه‌های روابط بین‌الملل، دامنه مشخص و محدودی دارد؛ به این معنا که برای تحلیل و آینده‌پژوهی پدیده‌های عرصه بین‌الملل و درک کنش‌های آن، بر بخش یا بخش‌های خاصی از پدیده تمرکز می‌شود؛ به عنوان مثال، بر یک یا چند سطح تحلیل از میان افراد، دولت‌های ملی، نهادهای تصمیم‌گیری، منطقه‌ای، و بین‌المللی تأکید می‌شود. اما نظریه سیستمی روابط بین‌الملل، دارای «سطح جامع تحلیلی»<sup>۳۲</sup> یعنی «برآیند سیستماتیک غایت‌های تحلیلی»<sup>۳۳</sup> است. در آینده، «غایت»<sup>۳۴</sup> و چیستی آن بیشتر برای خواننده این مقاله قابل درک تر خواهد شد؛ اما همین مقدار باید توضیح داده شود که در رویکرد سیستمی به پدیده‌ها، آن‌ها تنها یک سویه ندارند که پژوهشگر تنها از آن منظر به آنان نگاه کند و برای فهم بهتر این پدیده‌ها باید از ابعاد گوناگون به آن‌ها بنگریم. در سطح تحلیل سیستمی، برآیندی از اهداف و غایت‌های مربوط به هریک از سطوح تحلیل در درک از پدیده‌ها، مؤثر هستند که پژوهشگر باید به آن‌ها توجه داشته باشد. در شکل شماره (4)، سطح تحلیل سیستمی برای فهم و آینده‌پژوهی پدیده‌های عرصه بین‌الملل، به تصویر کشیده شود.

شکل شماره (4). سطح تحلیل سیستمی عرصه بین‌الملل



هنگامی که سخن از تفکر سیستمی در کنش‌های بین‌المللی به میان می‌آید، منظور، تفکری

۳۱ . Systematic Level of Analysis of Phenomena

۳۲ . Comprehensive Analytical Level

۳۳ . Systematic Resultant of Analytical Teleos

۳۴ . Teleos

است که با در نظر گرفتن همه جنبه‌های پیرامون پدیده، بهترین گزینش را برای رسیدن به اهداف و سرانجام، غایت سیستم، در راستای کنشی که آن را «کنش استراتژیک غایت گرایانه»<sup>۳۵</sup> می‌داند، در پی دارد.

## ۲. گزینش هستی‌شناسانه در تحلیل پدیده‌ها

کنش‌های سیستم‌های سازمان جامعه بین‌المللی، برساخته‌هایی مبتنی بر «ادراک»<sup>۳۶</sup> و «به‌گزینش»<sup>۳۷</sup>‌های آن‌ها هستند. این برساخته‌ها، «داستان»<sup>۳۸</sup>‌هایی هستند که در پس هر یک از کنش‌های این سیستم‌ها نهفته‌اند؛ از این رو، آینده‌پژوهی و تحلیل این کنش‌ها، نیازمند فهم این ادراک‌ها و به‌گزینش‌ها است؛ زیرا، سیستم‌ها، همواره می‌کوشند تا «به‌کنش»<sup>۳۹</sup>‌هایی هماهنگ با ادراک‌های خود داشته باشند. از این دیدگاه، ممکن است خواننده در خاطره علمی خود، رهیافت «گزینش عقلانی»<sup>۴۰</sup> را به یاد بیاورد؛ یعنی اینکه در ذهن خود این برداشت را تداعی کند که کنش‌های «فاعل شناسا»<sup>۴۱</sup>، دستاورد سنجش‌گری‌های عاقلانه آن است (Sharifi, 2017, 28)؛ اما در رهیافت سیستمی، قانونمندی‌های حاکم بر کنش‌ها و گزینش‌های سیستم، چگونگی دستیابی به آن‌ها، و تأثیر و ارتباط میان هر یک از اجزا و عناصر درونی و بیرونی آن در کنش‌های سیستم، تبیین می‌شود؛ همچنین، در رهیافت سیستمی به پدیده‌ها، در مورد کیفیت این گزینش و عقلانی بودن آن، قضاوت تحلیلی، بر برداشت‌های جامع و سراسرینانه از سیستم استوار است و قضاوت‌ها، مبتنی بر فراروایت‌های پیشینی از پدیده نبوده و درک «مسیر تحلیلی غایت‌گرایانه سیستمی»<sup>۴۲</sup> و ادراک‌ها و به‌گزینش‌های سیستمی است که میزان عقلانی بودن کنش را تعیین می‌کند.

پژوهش حاضر، کنش‌های سیستم‌ها را بر پایه رهیافت «گزینش هستی‌شناسانه»<sup>۴۳</sup> توضیح می‌دهد؛ بر این اساس، سیستم‌ها با توجه به ادراک‌ها و به‌گزینش‌های خود، در ارتباط با «دگر معانی پیرامونی»<sup>۴۴</sup>‌شان، اقدام به برسازگی کنش‌های خود می‌کنند. نکته مهم در اینجا این است که سیستم‌ها، مبتنی بر ادراک‌هایشان از خود و پیرامون، «غیریت‌ساز» هستند و دگرسیستم‌ها

۳۵ . Teleological Strategic Action

۳۶ . Perception

۳۷ . Best Selection

۳۸ . Story

۳۹ . Best Action

۴۰ . Rational Choice

۴۱ . Subject

۴۲ . Analytical Route of Systematic Teleos Tendency

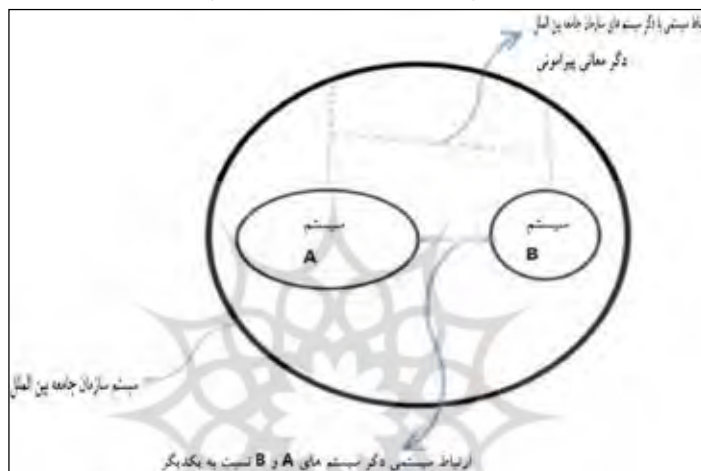
۴۳ . Existence Ontological Selection

۴۴ . Periphery Other Sense



را درک می کنند<sup>۴۵</sup>: براین اساس، سیستم‌های محیطی یک سازمان، دگرسیستم‌های آن به‌شمار می‌آیند؛ منظور از دگرمعانی پیرامونی، بر ساخته‌هایی است در پیرامون سیستم؛ یعنی، ادراک‌ها، به‌گزینش‌ها، اهداف و غایت‌هایی که سیستم در محیط پیرامونی خود با آن‌ها روبه‌رو است؛ این دگرمعانی، پیام‌هایی هستند که سیستم آن‌ها را درک می‌کند تا گزینش‌های خود را در ارتباط با آن‌ها بر سازد. در شکل شماره (5)، ارتباط میان دگرسیستم‌ها در سیستم سازمان جامعه بین‌الملل مشخص شده است.

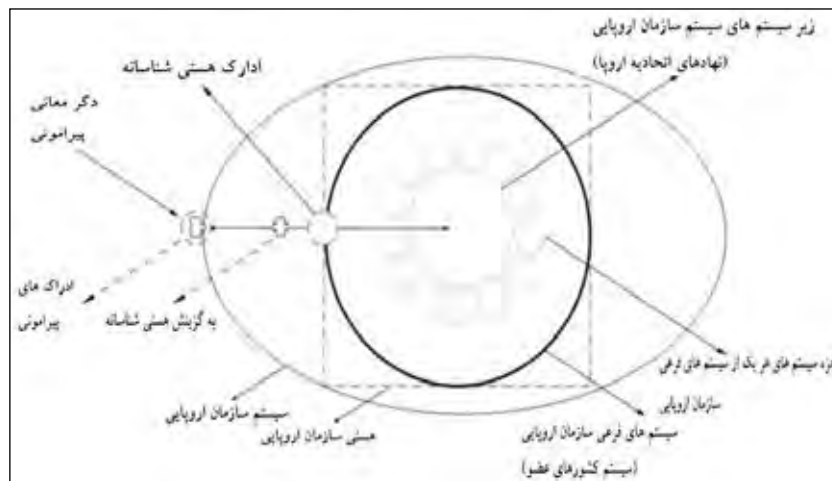
شکل شماره (۵). دگرسیستم‌ها و ارتباط میان آن‌ها در سیستم سازمان جامعه بین‌الملل



براین اساس، هر سیستمی بر پایه دریافت‌های خود از سیستم‌های دیگر و ادراک‌های هستی‌شناسانه خویش، اقدام به به‌گزینش کرده و کنش‌های خود را بر اساس این پیام‌های دریافتی شکل می‌دهد و از این راه بر سیستم‌های دیگر نیز تأثیر می‌گذارد. در واقع، سیستم‌ها کنش‌های خود را بر پایه ادراک‌هایشان از پیام‌های پیرامونی، کنش‌های راهبردی درونی، و همچنین، ادراک‌ها و به‌گزینش‌های درونی خویش برمی‌سازند. براین اساس، هر کنشی از سوی سیستم، روایتگر داستانی از ادراک‌ها و به‌گزینش‌ها است که ریشه در هستی آن دارند؛ البته این هستی، با دگرمعانی یا ادراک‌های پیرامونی آن نیز ارتباط دارند. در شکل شماره (6)، گزینش هستی‌شناسانه سیستمی مربوط به سازمان اتحادیه اروپا ترسیم شده است.

۴۵. برای مطالعه بیشتر درباره غیریت‌سازی، ر.ک: اسدی، هما، ساسانی، فرهاد (۱۳۹۶)، «غیریت‌سازی در گفتمان سیاست خارجی محمدرضا پهلوی»، زبان‌پژوهی، دانشگاه الزهراء (س)، سال نهم، شماره ۲۲، صص ۲۶-۷.

شکل شماره (۶). گزینش هستی‌شناسانه در سازمان اروپایی



Source: Kahlaki, 2011, 190

نکته مهم درباره تحلیل و آینده پژوهی کنش‌های سیستم‌ها این است که «امر سیاسی<sup>۴۶</sup>» در هر واحد سازمانی، به کنش‌های مبتنی بر به گزینش‌های برآمده از «هسته سخت<sup>۴۷</sup>» سیستم‌ها است که با رویکرد هستی‌شناسانه به آن‌ها قابل درک است؛ مفهومی که نوشتار حاضر آن را «امر سیستمی<sup>۴۸</sup>» می‌انگارد. در ادامه اشاره شده است که «غایت<sup>۴۹</sup>» هر سیستم، هسته سخت و راهبردی کنش‌های آن است. برای شناخت این هسته سخت، نخست بایستی «هستی و معرفت سیستمی<sup>۵۰</sup>» توضیح داده شود.

۳. بحث‌های فرافرنظری مطرح شده در رهیافت تحلیلی گزینش هستی‌شناسانه در این بخش، مباحث فرافرنظری «هستی‌شناسانه<sup>۵۱</sup>» و «معرفت‌شناسانه<sup>۵۲</sup>» موجود که در سایر رهیافت‌های نظری روابط بین‌الملل نیز کاربرد دارند توضیح داده شده‌اند. در روابط بین‌الملل، آنچه سبب تقویت نظریه می‌شود، حوزه‌های فرعی‌ای است که با عنوان «فرافرنظریه<sup>۵۳</sup>» از آن‌ها یاد می‌شود (Moshirzadeh, 2004, 114). همواره این گونه گفته

۴۶. برای مطالعه بیشتر درباره امر سیاسی (Political Affair)، ر. ک: بحرانی، مرتضی (۱۳۹۱)، «امر سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۹۶-۷۹.

۴۷. Hard core

۴۸. Systematic Affair

۴۹. Teleos

۵۰. Systematic Ontology and Epistemology

۵۱. Ontology

۵۲. Epistemology

۵۳. Metatheory

می‌شود که نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، دارای «تعهدات فرانظری» هستند<sup>۵۴</sup>؛ به این معنا که در نظریه‌پردازی لازم است به این موضوع‌ها توجه شود که «چه چیزی وجود دارد؟»، «این موجودیت چگونه عمل می‌کند؟»، «آنچه می‌دانیم، چگونه دانسته می‌شود؟» و «ارتباط میان پدیده‌ها از دیدگاه آن رویکرد نظری، چگونه است؟»

هستی‌شناسی، دربارهٔ امر واقع و ماهیت وجودی پدیده‌ها بحث می‌کند (Omidi, 2013, 100)؛ بر این اساس، برای شناخت هستی پدیده‌ها، می‌توان دو رویکرد را در پیش گرفت: رویکرد «مادی محور»<sup>۵۵</sup> یا رویکرد «معنما محور»<sup>۵۶</sup>. هنگامی که هستی در تحلیل، مادی محور انگاشته می‌شود، «ساختارهای پیشینی»<sup>۵۷</sup> و «عینی»<sup>۵۸</sup>، مدنظر است؛ از این رهگذر، ساختارهای مادی، مستقل از برداشت‌ها و فهم فاعل شناسا، یعنی کنشگران انسانی، در نظر گرفته می‌شوند. در رویکرد معنما محور، هستی ذهنی و گفتمانی، همهٔ آن چیزی است که باید درک شود<sup>۵۹</sup>. در واقع، در این رویکرد، «برداشت‌ها یا ادراک پسینی»<sup>۶۰</sup> و «ذهنی»<sup>۶۱</sup> فاعل شناسا مورد نظر است؛ از این رهگذر، ساختارهای معنایی، از برداشت‌های فاعل شناسا مستقل نبوده و او است که با ادراک‌های پسینی ذهنی خویش، «برساخته»<sup>۶۲</sup>‌هایی را ایجاد می‌کند که در تحلیل تأثیرگذارند. بعد فرانظری دیگر در تحلیل پدیده‌ها، معرفت‌شناسی است؛ عده‌ای، معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی را با فلسفه پیوند زده و از آن با عنوان نظریهٔ چستی شناخت و راه‌های دستیابی به آن یاد کرده‌اند<sup>۶۳</sup>. معرفت‌شناسی - که به فاعل شناسا و درک آن مربوط می‌شود - به ما می‌گوید که دانستنی‌ها چگونه دانسته می‌شوند. در معرفت‌شناسی، شاهد دستیابی به دو نوع ادراک از

۵۴. برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ بحث‌های فرانظری در روابط بین‌الملل، ر.ک:

Neufeld, M (1994). "Reflexivity and International Relations Theory", in: Positivism; Critical Reflections on International Relations, Edited by Claire Turenne Sjolander and Wayne S.Cox, London, Lynne Rienner, pp1113-. Cox and Sjolander, eds.

Materialist or Objectivism . ۵۵

Idealist or Subjectivism . ۵۶

Pre-Existing Structures . ۵۷

Objective . ۵۸

۵۹. برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ اندیشه‌های سیاسی معناگرا، ر.ک: قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۸۹)، «زمینه‌ها و ویژگی‌های اندیشه سیاسی معناگرا»، پژوهش سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۹، صص ۲۳۶-۲۱۷.

Lateral Concepts or Perceptions . ۶۰

Mentally . ۶۱

Constructed . ۶۲

۶۳. برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ معرفت‌شناسی، ر.ک: هالدینگ دیل، رچینالد جان (۱۳۸۷)، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: ققنوس، ص ۵۳؛ طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با مقدمه و شرح مرتضی مطهری، تهران: صدرا، چاپ چهارم، جلد اول، ص ۱۳۵.



پدیده هستیم: «درک شناختی<sup>۶۴</sup>» و «درک ارتباطی<sup>۶۵</sup>». در واقع، در معرفت‌شناسی، شناخت منابع سیستمی در درون و بیرون از آن مطرح است؛ افزون‌براین، در معرفت‌شناسی، درک ارتباط میان پدیده‌ها یا اجزای سازنده آن (منابع هستی‌ساز سیستمی) نیز اهمیت دارد. پژوهش حاضر، برون‌دادهایی را به‌عنوان محورهای معرفت‌شناسی در نظر گرفته است که از هستی یک موجود سرمی‌زند و در ارتباط میان اجزای آن و محیط، درک می‌شود؛ این رویکرد، برداشت سیستمی نگارندگان است.

آشکار است که نمی‌توان ذات مادی پدیده‌ها، یعنی ساختار محوری، را به‌تنهایی برای تحلیل در نظر گرفت و از کارگزاری‌های انسانی و برداشت‌های ذهنی آن‌ها غفلت کرد. در واقع، معرفت درست برای درک پدیده‌ها از دیدگاه پژوهش پیش‌رو، برآمده از توجه هم‌زمان به هستی مادی و معنوی آن است؛ یعنی تأکید هم‌زمان بر ساختار و کارگزار و تحلیل برآمده از چنین رویکردی به پدیده‌ها؛ براین اساس، هستی مادی و معنوی با یکدیگر ارتباط دارند که باید درباره آن معرفت کسب کنیم. در رهیافت سیستمی‌گزینش هستی‌شناسانه، در ساحت تحلیل پدیده‌ها، سیستم‌ها به‌لحاظ هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، دارای «یگانگی<sup>۶۶</sup>» هستند؛ در واقع، هستی و معرفت از وضعیت «دوگانه‌انگاران<sup>۶۷</sup>» در سیستم به «دوگانگی<sup>۶۸</sup>» رسیده و در ساحت تحلیل پدیده، شاهد «یگانگی تحلیلی<sup>۶۹</sup>» آن‌ها هستیم. دوگانه‌انگاری به این معنا است که وجود عینی (صورت) و ماهیت ذهنی (معنا)، به‌لحاظ هستی‌شناسی، مستقل هستند و در یکدیگر ادغام نمی‌شوند؛ اما دوگانگی، یعنی اینکه این دو هستی متفاوت، به‌لحاظ معرفت‌شناسانه، یکپارچه و درهم‌تنیده‌اند.<sup>۷۰</sup> براین اساس، یگانگی تحلیلی نیز، به‌معنای رویکرد سیستمی به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و عناصر ذهنی و عینی پدیده در تحلیل آن است؛ یعنی اینکه، در تحلیل غیرخطی باید منابع مادی و غیرمادی سازنده هستی پدیده را در کنار هم و برپایه اثرات جمعی آن‌ها بشناسیم. در واقع، شناخت و تحلیل هستی پدیده که در بردارنده عناصر یا منابع مادی و معنوی سیستم (منابع عینی و ذهنی) است، نیازمند فهم ارتباط میان این منابع درون آن است؛

۶۴ . Cognitive Perception

۶۵ . Communicative Perception

۶۶ . Unity

۶۷ . Dualism

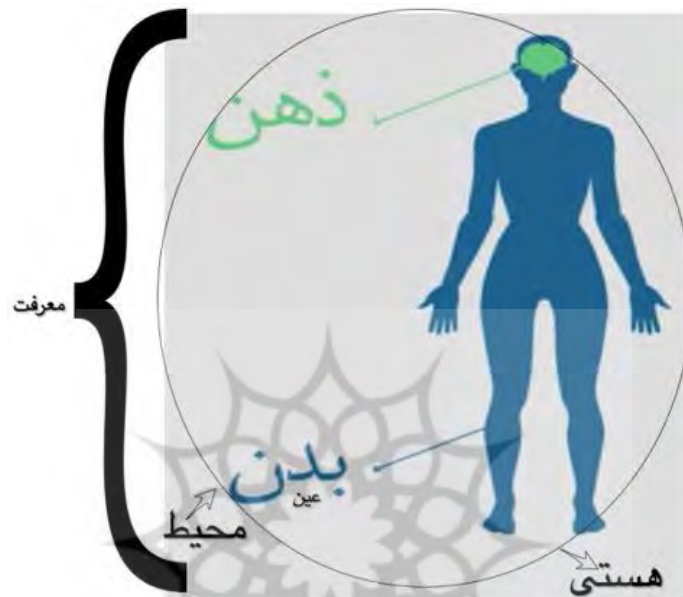
۶۸ . Duality

۶۹ . Analytical Unity

۷۰ . برای مطالعه بیشتر درباره مفهوم دوگانه‌انگاری و دوگانگی در اندیشه متفکران جامعه‌شناس، ر.ک: دی هارت، ویلیام (۱۳۸۱). دوگانه‌انگاری، ترجمه امیر دیوانی، قم: سروش. چاپ‌شده با عنوان: فلسفه نفس، قم: طه، ص ۲۷؛ حکمت مهر، محمد مهدی (۱۳۸۹)، «بررسی و نقد دوگانه‌انگاری دکارتی»، فصلنامه ذهن، شماره ۴۵، صص ۱۷۵-۱۹۹.

در این میان، نباید از محیط و ارتباط سیستمی آن با پدیده غفلت کنیم. شکل شماره (7)، به عنوان نمونه‌ای قابل فهم از دنیای انسانی، به درک بهتر ارتباط میان هستی، معرفت، عین، ذهن، و محیط در تحلیل سیستمی پدیده‌ها کمک می‌کند.

شکل شماره (7). هستی و معرفت در مثال رابطه میان اجزای بدن انسان، ذهنیت‌های او، و محیط



در شکل شماره (8) نیز «یگانگی در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تحلیلی»<sup>(۸)</sup> نشان داده شده است.



شکل شماره (8). یگانگی در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تحلیلی در رویکرد سیستمی گزینش هستی‌شناسانه



گفتنی است، هستی هر واحد سازمانی عرصهٔ بین‌الملل، از «ژن<sup>۷۲</sup>»هایی برخوردار است که به‌لحاظ معرفت‌شناسانه، برسازی «هویت»، «ایدئولوژی<sup>۷۳</sup>»، «اهداف<sup>۷۴</sup>»، «غایت»، و سرانجام، «فرهنگ کنشی<sup>۷۵</sup>» آن، متکی به آن‌ها است. به‌این‌سبب از واژهٔ «ژن» استفاده شده است که این منابع وراثتی، حامل اطلاعاتی هستند که ویژگی‌های موجودات را تعیین می‌کنند؛ درست مانند منابعی که ویژگی‌های سیستم و در نتیجه، کنش‌های آن را برمی‌سازند؛ در واقع، هستی سیستم را منابع مادی و غیرمادی‌ای تشکیل می‌دهند که ماهیت پیشینی دارند، اما بر ساخته‌های پسینی سیستم هر واحد سازمانی، به آن‌ها متکی است. هستی هر واحد سازمانی را دو دستهٔ اصلی از ژن‌ها یا منابع تشکیل می‌دهند؛ این ژن‌ها به دو ساحت متفاوت هستی ساز سیستم‌ها تعلق دارند؛ «صورت عینی<sup>۷۶</sup>» و «معنای ذهنی<sup>۷۷</sup>» سیستم؛ این ژن‌ها عبارتند از: «ژن‌های عینی مادی<sup>۷۸</sup>» و «ژن‌های ذهنی غیرمادی یا معنایی<sup>۷۹</sup>». «ژن‌های انسانی (سرمایه انسانی)<sup>۸۰</sup>»، «ژن‌های مالی<sup>۸۱</sup>»، «ژن‌های فیزیکی<sup>۸۲</sup>» و «ژن‌های فناورانه<sup>۸۳</sup>» از جمله ژن‌های مادی هر واحد سازمانی به‌شمار می‌آیند. «ژن تاریخی<sup>۸۴</sup>»، «ژن دینی<sup>۸۵</sup>»، «ژن هنری<sup>۸۶</sup>»، و «ژن دگر معانی پیرامونی<sup>۸۷</sup>» نیز ژن‌هایی غیرمادی یا معنایی هستند. در ادامه، موضوع برسازی هستی‌شناسانهٔ مبتنی بر این ژن‌های سیستم، که هویت، ایدئولوژی، اهداف، غایت، و فرهنگ کنشی سیستم بر پایهٔ آن بر ساخته می‌شوند، توضیح داده شده است.

همان‌گونه که اشاره شد، برای تحلیل سیستم هر واحد سازمانی و آینده‌پژوهی و درک کنش‌های آن، باید آن را با رویکردی یگانه به هستی و معرفت‌شناسی این سیستم عرصهٔ بین‌الملل، بررسی



- Gene . ۷۲
- Ideology . ۷۳
- Targets . ۷۴
- Action Culture . ۷۵
- Objective Form . ۷۶
- Mental Sense . ۷۷
- Material Objective Genes . ۷۸
- Non-Material Mental or Semantic Genes . ۷۹
- (Human Genes (Human Capital . ۸۰
- Financial Genes . ۸۱
- Physical Genes . ۸۲
- Technological Genes . ۸۳
- Historical Gene . ۸۴
- Religious Gene . ۸۵
- Art Gene . ۸۶
- Periphery Other Sense Gene . ۸۷

کنیم. در این مطالعات، باید منابع یا ژن‌های مادی و غیرمادی این سیستم را در ارتباط با محیط پیرامونی آن درک کنیم؛ براین اساس، شناخت جامع سیستم‌ها، نیازمند این است که ادراک‌ها و به‌گزینش‌های این سیستم در مسیر «برسازی غایت‌گرایانه»<sup>۸۸</sup> در آن، درک شوند؛ نگارندگان بر این نظرند که درک داستان غایت‌گرایانه سیستم‌های عرصه بین‌الملل، به‌معنای فهم پس‌کنش‌های حال و آتی آن‌ها است که در ادامه، بیشتر توضیح داده شده است.

#### ۴. مسیر برسازی غایت در سیستم‌ها

همان‌گونه که اشاره شد، تحلیل کنش‌های محقق‌شده سیستمی یا آینده‌پژوهی آنچه سیستم‌ها در عرصه بین‌الملل از خود بروز خواهند داد، نیازمند فهم «ادراک‌های معنایی»<sup>۸۹</sup> برآمده از منابع یا ژن‌های عینی و ذهنی سازنده هستی هر سیستم است؛ این ادراک‌های معنایی، داستان سیستم‌هایی را در خود دارند که برسازی کنش‌های حال و آتی آن‌ها، بر آن استوار است.

پیشتر اشاره شد که هستی سیستم‌ها، دارای دو ساحت عینی و ذهنی است؛ ژن‌های سازنده ساحت عینی هستی هر سیستم، عبارتند از: ژن‌های مالی، فیزیکی (مادی)، انسانی (سرمایه انسانی) و فناورانه. ژن یا منبع مالی سیستم، به «اقتصاد»<sup>۹۰</sup>، «پول»<sup>۹۱</sup>، منابع اقتصادی، و پدیده‌ها و مفاهیم مربوط به آن‌ها مربوط می‌شود. پژوهش حاضر، ساختارها یا ژن‌های فیزیکی (مادی) سیستم را در پیوند با مفاهیمی مانند جغرافیا، سرزمین، کشاورزی، و در قالب سیستم‌های فیزیکی یا مادی و منابعی از این جنس در نظر می‌گیرد. هنگامی که سخن از «ژئوپلیتیک»<sup>۹۲</sup> در تحلیل بین‌الملل به میان می‌آید، هدف، ژن‌های فیزیکی (مادی) است. ژن یا منبع عینی دیگر سیستم که باید به آن اشاره شود، ژن انسانی است. در رهیافت‌های نظری دیگر نیز، نوع نگاه به انسان، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ در این رهیافت‌ها، رویکرد به انسان با عنوان «انسان‌شناسی»<sup>۹۳</sup> مطرح می‌شود. از دیرباز، انسان‌شناسی را نوعی مقایسه «میان‌فرهنگی»<sup>۹۴</sup> دانسته‌اند<sup>۹۵</sup>. براین اساس، انسان از منابع مهم سیستم به‌شمار می‌آید؛ جایگاه انسان در سیستم‌ها، با مفاهیمی چون رهبری، جمعیت، موضوع خواص و عوام، تصمیم‌سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، و مشروعیت و مقبولیت این تصمیم‌ها در پیوند است. در کنش‌های راهبردی سیستم‌ها، از این ژن، با عنوان «سرمایه

Teleological Constructivism . ۸۸

Semantic Perceptions . ۸۹

Economy . ۹۰

Money . ۹۱

Geopolitics . ۹۲

Anthropology . ۹۳

Intercultural . ۹۴

95 . Ingold, T(1996), " The Traditional Anthropological Project of Cross-cultural or Cross-societal Comparison", Key Debates in Anthropology, London and New York, 1996, P 18.



۳۳۳

نظریه‌گزینش  
هستی‌شناسانه:  
چهارچوبی برای  
آینده‌پژوهی پدیده‌های  
بین‌المللی

انسانی<sup>۹۶</sup>) یاد می‌شود.

ژن فناوریانه سیستم‌ها، به‌ویژه در حال حاضر، به‌عنوان «دانش‌مهارت<sup>۹۷</sup>» پیچیده یا ساده که در برخی از سیستم‌های سازمان جامعه بین‌المللی به فرهنگ مسلط بر کنش‌های آن‌ها تبدیل شده است، توانسته است نقش مهمی در هم‌مونیک شدن برخی زیرسیستم‌های این سازمان ایفا کند. این ژن‌های سیستمی، خود آگاهی‌های نظام‌یافته‌ای برای انجام وظایف علمی، اجرایی، یا اجتماعی به‌منظور ساخت محصولات یا ارائه خدمات هستند. عده‌ای، سیستم‌های برخوردار از ژن‌های فناوریانه پیشرفته‌تر در سازمان جامعه بین‌الملل را دارای قدرت سلطه بر سیستم‌های دیگر می‌دانند و از این رو، تمام تلاش این سیستم‌های «تکنوهمونیک<sup>۹۸</sup>»، معطوف به «مانایی و تحول فناوریانه<sup>۹۹</sup>» است.<sup>۱۰۰</sup>

نکته مهم درباره این منابع یا ژن‌های عینی در سیستم‌ها، معانی‌ای است که سیستم از این ژن‌ها برداشت می‌کند؛ در واقع، بر ساخته‌های ادراکی پسینی، بر پایه ژن‌های مادی سازنده هستی عینی و پیشینی سیستم شکل می‌گیرند. این ادراک‌ها، «معانی مالی، فیزیکی (مادی)، انسانی، و فناوریانه» سیستم را برمی‌سازند. به این معنا که زیرسیستم‌های سازنده سازمان جامعه بین‌الملل بر پایه این منابع، به ادراک‌هایی دست می‌یابند که بر کنش‌های آن‌ها تأثیرگذار است. بیشتر اشاره شد که ژن‌های ذهنی تاریخی، دینی، هنری، و برخی دیگر از معانی پیرامونی، از جمله منابع دیگر سیستم هستند که ماهیت معنایی و ادراکی دارند. تاریخ و ادراک‌های برآمده از آن، معانی‌ای هستند که سیستم‌ها به شدت از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. درباره اهمیت تاریخ گفته می‌شود، کسانی که سرگذشت خود را به یاد نسپارند، محکوم به تکرار آن هستند.<sup>۱۰۱</sup> پژوهش حاضر، برای تحلیل و آینده‌پژوهی کنش‌های سیستم، به «ادراک‌های تاریخی<sup>۱۰۲</sup>»، یعنی معانی‌ای که سیستم از تاریخ گذشته خود برداشت کرده یا برمی‌سازد، نیز توجه داشته است؛ معانی که برای سیستم، هستی‌ساز هستند و آن گونه که گفته خواهد شد، بر سازنده کنش‌های آن هستند.

Human Capital . ۹۶

Knowledge-skills . ۹۷

Technohejemonic . ۹۸

Sustainability and Technological Transformation . ۹۹

۱۰۰ . برای مطالعه بیشتر درباره ابعاد همونیک فناوری، ر.ک: باقری ده‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۳)، «بررسی رویکردها و ابعاد همونیک فناوری بر انسان»، مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، دوره ۴، شماره ۷، صص ۲۸-۱.

۱۰۱ . Santayana, G. (۲۰۱۱), *The Life of Reason; Or the Phases of Human Progress* (introduction, and reason in Common Sense), Massachusetts and London, MIT Press, p1۷۲.

Historical Perceptions . ۱۰۲



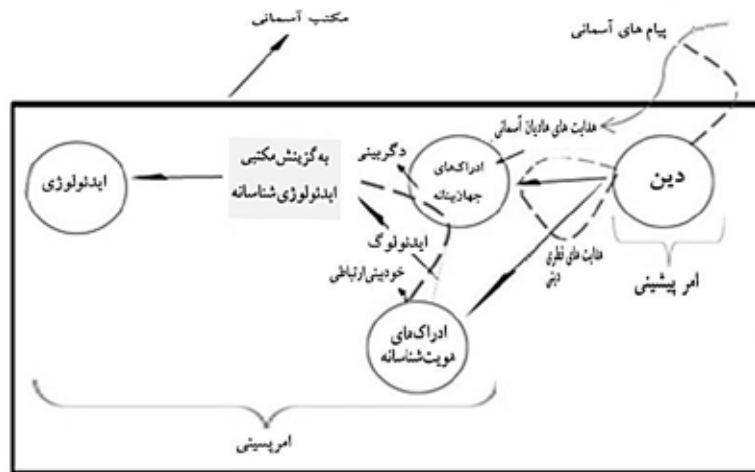
۳۲۴

پژوهشنامه ایرانی  
سیاست بین‌الملل

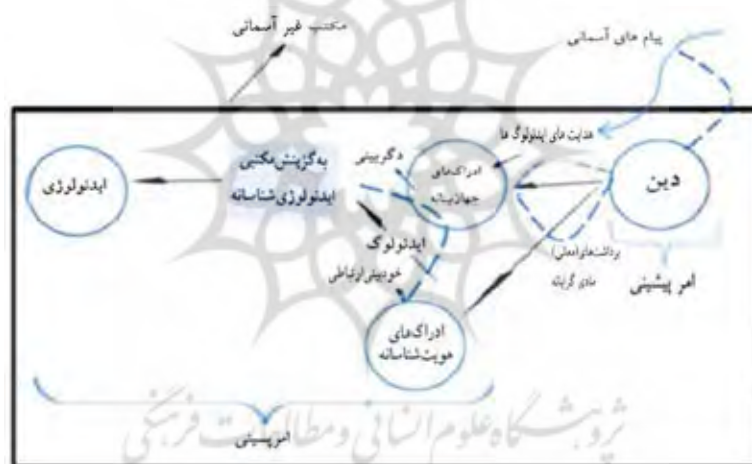
دوره ۱۱، شماره ۲، شماره  
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

یکی دیگر از منابع یا ژن‌های ذهنی، معنایی، یا ادراکی سیستم‌ها در عرصه بین‌الملل، دین است؛ دین از ژن‌ها یا منابعی است که در سیستم کنونی سازمان جامعه بین‌الملل، حتی برخی از همکاری‌ها و تعارض‌های عمده این عرصه را نیز به آن نسبت داده‌اند؛ تاجایی که ساموئل هانتینگتون<sup>۱۳</sup> در نظریه معروف «برخورد تمدن‌ها»<sup>۱۴</sup>، پس از پایان جنگ سرد، سرچشمه همه درگیری‌های عرصه بین‌الملل را برآمده از این منبع می‌داند<sup>۱۵</sup>. در پژوهش حاضر، با تکیه بر برداشت‌های استاد مرتضی مطهری از «دین»، به‌عنوان یک ژن پیشینی که فاعل شناسا با آن متولد می‌شود، از آن با عنوان «مکتب» یاد شده است<sup>۱۶</sup>. دین، گرایش عمیق فطری و خداجویی است که با هدایت‌های آسمانی یا رهبری ایدئولوگ‌ها، از رهگذر «جهان‌بینی»<sup>۱۷</sup> به عقیده‌مندی‌هایی می‌رسد که این «ایدئولوژی»<sup>۱۸</sup>ها، مکتبی هستند. در واقع، دین، ژن پیشینی سیستم، و مکتب و عقیده‌مندی (ایدئولوژی)، پسینی آن است؛ از این رو، باید از «مکتب آسمانی»<sup>۱۹</sup> و «غیرآسمانی»<sup>۲۰</sup> و «مذاهب»<sup>۲۱</sup> برآمده از آن‌ها یاد کنیم (مانند مکتب اسلام و مذهب شیعه). در شکل‌های شماره (9) و (10)، مکتب آسمانی و غیرآسمانی و چگونگی برسازی آن‌ها در سیستم‌ها نشان داده شده است.

شکل شماره (۹). مکتب آسمانی و چگونگی برسازی ایدئولوژی یا عقیده‌مندی‌های آسمانی در سیستم‌ها



شکل شماره (۱۰). مکتب غیر آسمانی و چگونگی برسازی ایدئولوژی یا عقیده‌مندی‌های غیر آسمانی در سیستم‌ها



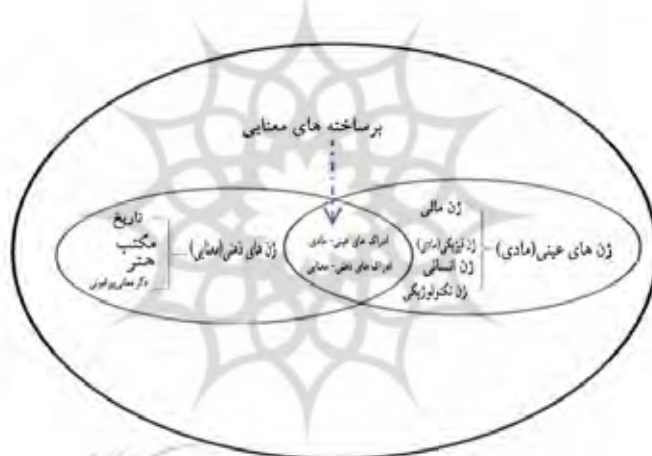
با توجه به آنچه مطرح شد، دربارهٔ مکتب می‌توان گفت که ژن دین و ادراک‌ها و معانی برآمده از آن، یعنی درواقع، «عقیده‌مندی‌های مکتبی»، در هستی سیستم‌ها و کنش‌های آن‌ها بسیار اهمیت دارند.

یکی دیگر از ژن‌های معنایی اصیل و مهم سیستم‌ها، «هنر» است. هنر در فرایند غایت‌گرایانهٔ سیستم‌ها نقش بسیار مهمی در برسازی هویت، عقیده‌مندی‌ها (ایدئولوژی)، اهداف، و غایت آن‌ها دارد. البته میزان تأثیر آن بر ادراک‌ها و به‌گزینش‌های سیستم‌های عرصهٔ بین‌الملل، متفاوت است. نکتهٔ دیگر اینکه، هنر در چارچوب ادراک‌های معنایی برآمده از آن بر کنش‌ها و به‌گزینش‌های سیستم‌ها تأثیر می‌گذارد. بسیاری از روان‌شناسان، «انگیزش» را فرایندی وابسته به معانی و ادراک‌های هنری می‌دانند که برانگیختگی، هدایت، و احیای کنش‌ها را برمی‌سازند.

(Yazdani Ahmadabadi, 2017, 51).

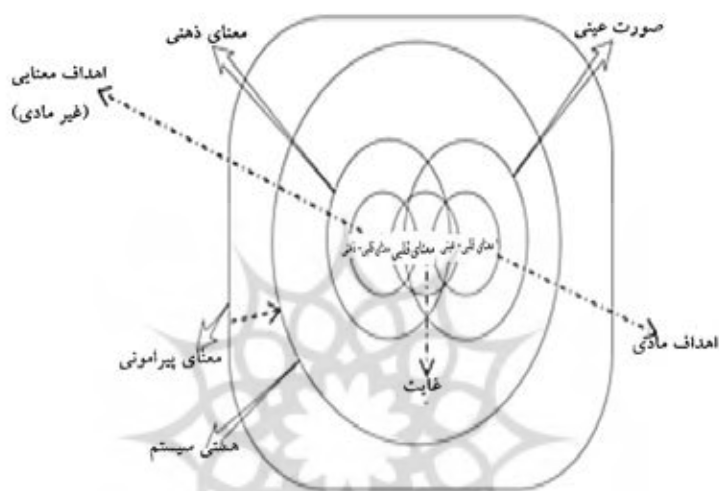
در توضیح ژن دگر معانی پیرامونی نیز می توان به این نکته بسنده کرد که در «تحلیل گفتمانی سیستم‌ها»<sup>۱۱۳</sup> در ارتباط با پیرامون، این ژن‌ها، «غیریت‌ساز»<sup>۱۱۳</sup> هستند و این «دگرسازی سیستمی»<sup>۱۱۴</sup> بر کنش‌های آن‌ها تأثیر می گذارد. در واقع، «جهان‌بینی سیستمی»<sup>۱۱۵</sup> بر برساخته‌های هستی‌شناسانه آن‌ها تأثیرگذار است. این دگر معانی پیرامونی، ادراک‌ها و معانی‌ای هستند که در قاموس «غایت‌های پیرامونی»<sup>۱۱۶</sup> سیستم، بر آن تأثیر می گذارند.

از این رو، باید برای تحلیل کنش‌های سیستمی و آینده‌پژوهی آن‌ها، ادراک‌های عینی-مادی و ذهنی-معنایی، و به‌گزینش‌های برآمده از معانی یادشده را نیز درک کنیم. چنین ادراک‌هایی باید در چارچوب «برساخته‌های معنایی»<sup>۱۱۷</sup> در سیستم‌ها در نظر گرفته شوند. در شکل شماره (11)، ژن‌های عینی یا مادی و ذهنی یا غیرمادی (معنایی) هستی‌شناسانه‌ها نشان داده شده‌اند. شکل شماره (۱۱). ژن‌های عینی (مادی)، ذهنی (غیرمادی یا معنایی) سیستمی و برساخته‌های معنایی آن‌ها



براین اساس، سیستم‌ها بر پایه ژن‌های عینی خود که سبب ایجاد صورت عینی آن شده‌اند و همچنین، معنای ذهنی‌شان، از سه دسته معنا برخوردارند که برساخته‌های معنایی آن به‌شمار

می آیند. این برساخته‌های معنایی عبارتند از: «معنای قلبی عینی<sup>۱۱۸</sup>»، «معنای قلبی ذهنی<sup>۱۱۹</sup>»، و «معنای قلبی<sup>۱۲۰</sup>». منظور از قلبی بودن معنا در این اصطلاحات، جایگاه محوری این برساخته‌ها، به‌عنوان اهداف و غایت سیستم است. در واقع، این معانی، هسته نهادینه شده و سخت کنش‌های سیستم‌ها هستند که تحلیل‌گر با فهم آن‌ها می‌تواند در راستای درک کنش‌ها و آینده‌پژوهی برون‌دادهای آتی سیستم‌ها اقدام کند. این برساخته‌ها در شکل شماره (12) نشان داده شده‌اند. شکل شماره (۱۲). عناصر یا ژن‌های عینی و ذهنی سیستم و برساخته‌های معنایی برآمده از آن‌ها



از این رو، در پژوهش حاضر در پی فهم این معانی محوری و مرکزی بوده‌ایم؛ اما مسیر برسازگی این معانی در سیستم، چگونه قابل تبیین است؟ ژن‌های مادی و غیرمادی سیستم‌ها، در مسیر غایت‌گرایانه آن‌ها، «هویت<sup>۱۲۱</sup>»، «ایدئولوژی<sup>۱۲۲</sup>»، «اهداف<sup>۱۲۳</sup>»، و «غایت<sup>۱۲۴</sup>» سیستم‌ها را بر پایه «برسازگی‌های ادراکی<sup>۱۲۵</sup>» و «به‌گزینش‌های شناختی<sup>۱۲۶</sup>»، برمی‌سازند. در واقع، ژن‌های مادی و غیرمادی سیستم‌ها، کدهای ادراکی



Objective Heart Sense . ۱۱۸

Mental Heart Sense . ۱۱۹

Heart Sense . ۱۲۰

Identity . ۱۲۱

Ideology . ۱۲۲

Aims . ۱۲۳

Teleos . ۱۲۴

Construction of Perception . ۱۲۵

Best Selection of Recognition . ۱۲۶

«جهان‌شناسانه<sup>۱۲۷</sup>» و «هویت‌شناسانه<sup>۱۲۸</sup>» موجود در آن‌ها را برمی‌انگیزند<sup>۱۲۹</sup>. در فرایند «برسازی ادراکی هویت‌شناسانه<sup>۱۳۰</sup>»، سیستم، چستی و کیستی مادی و غیرمادی پیرامونی و درونی خود را درک کرده و هویت مادی و غیرمادی آن، بر ساخته می‌شود. براساس این برسازی پیچیده هویتی است که سیستم، خود را در ارتباط با پیرامون درک می‌کند<sup>۱۳۱</sup>. سیستم، پس از «شناخت<sup>۱۳۲</sup>» هویت مادی و غیرمادی خویش، «به‌گزینش<sup>۱۳۳</sup>» کرده و به عقیده‌مندی‌ها یا ایدئولوژی‌هایی دست پیدا می‌کند<sup>۱۳۴</sup> و براساس این «به‌گزینش شناختی ایدئولوژیکی<sup>۱۳۵</sup>»، عقیده‌مندی‌های مادی و غیرمادی خود را برمی‌سازد. از رهگذر این عقیده‌مندی‌های مادی و غیرمادی است که سیستم، اهداف<sup>۱۳۶</sup> خود را در فرایند

۱۲۷ . Cosmological Preception Code

۱۲۸ . Identical Perception Code

۱۲۹ . ادراک، در مفهوم عام، به معنای علم و آگاهی از جهان بیرون و دنیای درون و بنیان شناخت فاعل شناسا است (ایمانی خوشخو، شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷، ۵۸-۴۹). شناخت و آگاهی فرد از جهان پیرامون و موقعیتی که در آن قرار دارد، ساده‌ترین نوع ادراک است (Borchert, ۱۹۹۶: ۳۹۴). سیستم، برپایه این ادراک معنایی مبتنی بر زن‌ها یا منابع سیستمی، به آگاهی از خود در ارتباط با پیرامون می‌رسد؛ یعنی پایه هویت‌یابی سیستم‌ها، ادراک درونی و پیرامونی آن‌ها است. افزون‌براین، اهداف مادی و غیرمادی سیستم با برسازی ادراکی هدف‌شناسانه بر ساخته می‌شوند.

۱۳۰ . Construction of Perception Identification

۱۳۱ . درباره هویت سیستم‌ها می‌توان گفت، چیزی که این موجودیت‌ها را به آنچه هستند تبدیل می‌کند و ویژگی‌هایی برای کنشگر نیت‌مند به‌شمار می‌آیند، هویت است. هویت، زمینه‌ساز گرایش‌های انگیزشی برای کنش‌های سیستم‌ها است که از ادراک‌های مادی و معنایی آن ریشه می‌گیرد. در واقع، نوع نگاه سیستم‌ها به خود و دیگری، بیانگر هویت آن‌ها است. سازه‌انگاران ویژگی فهم بین‌ذهنی (Intersubjective) را به هویت نسبت می‌دهند. به این معنا که ادراک سیستم از منابع مادی و غیرمادی خود، در ارتباط با پیرامون، چه نسبتی با درک سیستم‌های دیگر از آن دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۷، ۲۶۹-۲۵۱).

۱۳۲ . شناخت (Recognition)، دستیابی به معنی پدیده، یا نقشی از آن در ذهن، یا درک حضور آن است. شناخت از رهگذر درک معنا را شناخت حصولی (وصولی) و شناخت از رهگذر درک عینی پدیده را شناخت حضوری (وصالی) می‌گویند (باوندیان، ۱۳۸۰، ۴۴).

۱۳۳ . به‌گزینش (Best Selection)، انتخاب از میان برساخته‌های ادراکی هویت‌شناسانه و هدف‌شناسانه سیستم‌ها است که به برسازی ایدئولوژی‌ها و غایت مادی و غیرمادی آن‌ها می‌انجامد. به‌گزینش‌ها در هر واحد سازمانی، همواره در مسیر به کنش‌های (Best Actions) راهبردی سیستمی است. درک هستی سیستم‌ها برای فهم کنش‌ها و آینده‌پژوهی هر واحد سازمانی، به معنای فهم به‌گزینش‌های آن‌ها است؛ زیرا، محصول این فرایندها، غایتی است که هسته سخت کنش‌های سیستمی به‌شمار می‌آید.

۱۳۴ . نخستین بار، دوستوت دوتراسی (Destutt De Tracy)، فیلسوف و اشراف‌زاده دوران روشنگری واژه ایدئولوژی (Ideology) را به کار برد که پس‌از آن توسط بسیاری همچون ناپلئون مورد استفاده قرار گرفته است (Kennedy, ۱۹۷۹، ۳۵۳-۳۶۸). ایدئولوژی به معنای عقیده‌شناسی است؛ از این رو، ایدئولوگ، کسی است که صاحب عقیده‌ای است (نصری، ۱۳۷۷، ۱۴۱-۱۲۰). براین اساس، ایدئولوژی، عقیده نهادینه‌شده در سیستم است که مبتنی بر برسازی‌های ادراکی هویتی بوده و به‌گزینشی است برآمده از هویت‌های مادی و معنوی یا غیرمادی آن. در واقع، سیستم برپایه هویت‌های مادی و غیرمادی خویش، عقیده‌مندی‌هایش را به‌گزینش کرده و برمی‌سازد.

۱۳۵ . Best Selection of Ideological Recognition

۱۳۶ . اهداف (Aims) سیستم، برساخته‌هایی مبتنی بر منابع، هویت‌ها، و عقیده‌مندی‌های (ایدئولوژی‌های)





«برسازی ادراکی هدف‌شناسانه<sup>۱۳۷</sup>»، برمی‌سازد تا با تکیه بر منابع خود، تحقق آن‌ها را دنبال کند. این اهداف، معانی قلبی-عینی و قلبی-ذهنی سیستم هستند که از رهگذر آن‌ها و در یک فرایند «به‌گزینش غایت‌شناسانه<sup>۱۳۸</sup>»، تنها یک هدف نهایی را فراروی خود قرار داده و بر آن تمرکز می‌کند که همان، معنای قلبی یا غایت آن است. غایت، هستهٔ سخت و معنایی‌ای است که از پیش، سیستم را به‌خود می‌خواند<sup>۱۳۹</sup>.

گفتنی است، هریک از ژن‌های مادی و غیرمادی سیستم در مسیر غایت‌گرایانهٔ آن، می‌توانند بر بر ساخته‌های هویتی، ایدئولوژیکی، و اهداف آن تأثیرگذار باشند؛ در واقع، در سیستم‌ها به‌لحاظ تأثیرگذاری، سه نوع ژن وجود دارد: «ژن‌های خفته یا بی‌اثر<sup>۱۴۰</sup>»، «ژن‌های فعال<sup>۱۴۱</sup>»، و «ژن‌های غالب<sup>۱۴۲</sup>». ژن‌های خفته، منابعی هستند که نمی‌توانند بر هویت‌سازی، برسازی عقیده‌ها و اهداف، و سرانجام، غایت سیستم مؤثر باشند؛ درحالی‌که ژن‌های فعال، بر هویت‌سازی، برسازی ایدئولوژیکی سیستم، و طراحی اهداف آن تأثیر می‌گذارند، اما در شکل‌دهی غایت سیستم، نقش فعالی ندارند. در واقع، ژن یا ترکیبی از ژن‌های غالب در هر سیستم، هویت، عقیده‌مندی، هدف ویژه، و سرانجام، غایت یا معنای قلبی آن را برمی‌سازند؛ بنابراین، غایت در هر سیستم، محصول منبع یا منابع حیاتی و غالب در هر واحد سازمانی است. در شکل شمارهٔ (13)، مسیر غایت‌گرایی یا برسازی غایت در سیستم‌ها مشخص شده است.



سیستم هستند که دستیابی به آن‌ها، آرمانی و مطلوب هر واحد سازمانی است؛ از این رو، اهداف مادی و غیرمادی سیستم‌ها، معنایی‌ای هستند نهادینه‌شده برای سیستم؛ بر این اساس، آن‌ها را معنای قلبی-عینی یا قلبی-ذهنی سیستم به‌شمار می‌آورند. گفتنی است که اهداف، همانند مسیری هستند که سیستم از رهگذر آن‌ها، به‌سوی هدف غایی (معنای قلبی) خود، در حرکت است.

Construction of Aim Perception . ۱۳۷

Teleological Best Selection . ۱۳۸

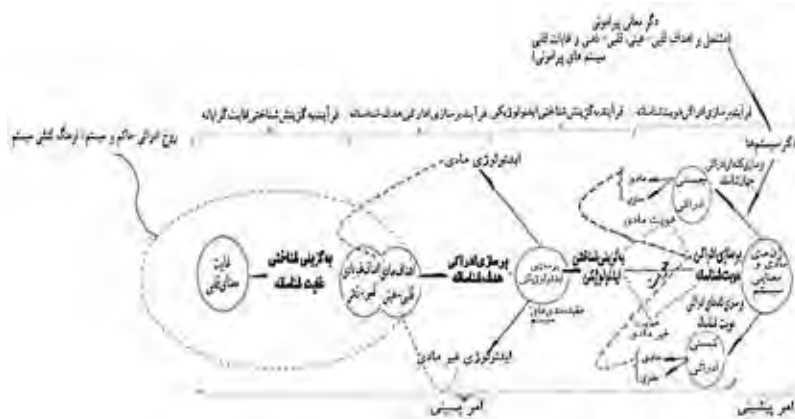
۱۳۹ . برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ غایت، ر.ک: برزگر، ابراهیم (۱۳۸۱)، «مفهوم غایت در اندیشهٔ سیاسی غرب و اسلام»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۶، صص ۷۸-۴۳.

Dormant or Inactive genes . ۱۴۰

Active Genes . ۱۴۱

Dominant Genes . ۱۴۲

شکل شماره (۱۳). مسیر برسازی غایت در سیستم‌ها



در کنش‌های سیستمی، اهداف مادی و غیرمادی، و غایت، خود را در چارچوب «فرهنگ کنشی» یا «فرهنگ سازمانی» سیستم‌ها نشان می‌دهند؛ به این معنا که «روح ادراکی» حاکم بر کنش‌های سیستم‌ها، اهداف و غایت آن‌ها است؛ این غایت است که بیشترین تأثیر را بر کنش‌های سیستم به جای می‌گذارد. در واقع، غایت، هسته سخت کنش بوده و تأثیر آن بر برون‌دادهای سیستم‌ها، بسیار پررنگ است و فهم آن، درک ادراک‌های سیستمی را در پی دارد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، غایت از دیدگاه پژوهش حاضر، معنای قلبی سیستم است که چون مهم‌ترین هدف آن به‌شمار می‌آید، از پیش، سازمان را به‌خود می‌خواند و بر همین اساس، هسته سخت کنش‌های سیستمی را غایت آن می‌داند؛ بنابراین، این مهم که بر ساخته‌ای است معنایی برآمده از ادراک‌ها و به‌گزینش‌های سیستم، بر کنش‌های آن تأثیر بنیادینی دارد و فهم آن، به معنای درک برون‌دادهای سیستم‌ها است.

شکل شماره (۱۴). غایت (هسته سخت سیستم) و جایگاه آن در کنش‌های سیستمی



فهم مفهوم غایت در درک کنش‌های سیستمی سازمان‌ها در ارتباط با یکدیگر، اهمیت فراوانی دارد؛ به این معنا که سیستم‌ها در ارتباط با یکدیگر، بر پایه غایت‌هایشان، کنشگر هستند؛ از این رو،



می توان مفاهیمی مانند «تمدن سازی<sup>۱۴۴</sup>» را نیز در این حوزه تعریف و تبیین کرد. «تمدن<sup>۴</sup>»ها در چارچوب یک «ابرسازمان<sup>۱۴۵</sup>» و با «پارادایمیک شدن<sup>۱۴۶</sup> یک غایت<sup>۱۴۷</sup>» در میان سیستمی از سازمان های همگرا شکل می گیرند. منظور از پارادایمیک شدن غایت، هم نظری، نهادینه شدن، و پذیرش غایتی یکسان، میان زیرسیستم های یک سازمان است که همه آنها را در راستای همگرایی به سوی این امر نهادینه شده، هم افزا می کند.

در باره چگونگی شکل گیری تمدن، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد؛ به عنوان مثال، ویل دورانت<sup>۱۴۸</sup>، ایجاد «نظم اجتماعی<sup>۱۴۹</sup>»، یعنی پایان یافتن هرج و مرج و ناامنی را با تمدن سازی مرتبط می داند؛ به نظر دورانت، در تمدن، چهار رکن و عنصر بنیادین وجود دارد که عبارتند از: پیشینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنت های اخلاقی و کوشش برای معرفت و گسترش هنر. وی درباره علت ارتباط ظهور تمدن ها با پایان هرج و مرج و ناامنی می گوید، تنها با از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و نیاز به ابداع و اختراع به کار می افتد و انسان، خود را تسلیم غریزه ای می کند که او را به شکل طبیعی به سوی کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می دهد (Durant, 1993, 3). در واقع، ویل دورانت، به نوعی، به غایت در سیستم های بشری، که همان از بین رفتن ترس و ناامنی است، اشاره می کند که عامل همگرایی در میان سیستم های عضو سازمان جامعه بین المللی است. این غایت، همان هسته سختی است که پس از جنگ های ویرانگر جهانی، «تمدن جامعه بین المللی<sup>۱۵۰</sup>» را پیرامون «سازمان ملل متحد<sup>۱۵۱</sup>»، همگرا کرد. چنین شرایطی را می توان تمایل به تحقق «امنیت دسته جمعی<sup>۱۵۲</sup>» دانست که «تمدن اروپایی<sup>۱۵۳</sup>» را پیرامون سازمان اروپایی (اتحادیه اروپا) ایجاد کرد؛ این همگرایی و هم افزایی می تواند در حوزه های دیگر تمدنی نیز رخ دهد؛ به عنوان مثال، می توان به همگرایی میان اعضای جامعه بین المللی مسلمانان پیرامون غایت توحیدی اشاره کرد.

۱۴۴. Construction of Civilization .

۱۴۵. Superorganization .

۱۴۶. برای مطالعه بیشتر درباره چستی پارادایم، ر.ک:

Kuhn, T. The Structure of Scientific Revolutions, Chicago, University of Chicago, (۱۹۷۰). Press

کوهن، توماس (۱۹۷۰)، ساختار انقلاب های علمی، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات سروش.

۱۴۷. Paradigmatic Teleos .

۱۴۸. Durant, Will .

۱۴۹. Social Order .

۱۵۰. Civilization of the International Community .

۱۵۱. (United Nations (UN .

۱۵۲. Collective security .

۱۵۳. European civilization .

در این بخش از پژوهش، لازم است به همگرایی در میان زیرسیستم‌های سازمان جامعه بین‌المللی از یک منظر دیگر و بر پایه رویکرد سیستمی مورد نظر این نوشتار، توجه شود. در «همگرایی سیستمی»<sup>۱۵۴</sup>، شاهد تمایل به «همبستگی»<sup>۱۵۵</sup> سیستم‌های پیرامونی «واگرا»<sup>۱۵۶</sup>، بر پایه برسازی کد ادراکی «وابستگی متقابل»<sup>۱۵۷</sup> میان آن‌ها هستیم که در نتیجه، «محبت»<sup>۱۵۸</sup> درون یا میان سیستمی رخ می‌دهد؛ این در حالی است که بیشتر نظریه پردازان سیاست بین‌الملل، کدهای ادراکی از نوع «حس تهدید مشترک»<sup>۱۵۹</sup> را عامل همگرایی کنشگران عرصه بین‌الملل دانسته‌اند؛ عاملی که ریشه آن از دیدگاه پژوهش حاضر، محبت درون و برون سیستمی یعنی، حس تهدید در دستیابی به منافع است. محبت یادشده، به سه دلیل، زمینه‌ساز برسازی کد ادراکی وابستگی متقابل درون و میان سیستمی است؛ دستیابی به منفعت، و دستیابی به لذت، و اشتراک در فضیلت. بر این اساس، برسازی حس وابستگی متقابل میان سیستم‌های واگرا، می‌تواند به ایجاد «چسب همبستگی سیستمی»<sup>۱۶۰</sup> بینجامد که به معنای «سازمان‌سازی»<sup>۱۶۱</sup>، «نهادسازی»<sup>۱۶۲</sup>، یا «تحقق ابرسازمان‌های تمدنی»<sup>۱۶۳</sup> است. نتیجه ایجاد چسب همبستگی سیستمی، «هم‌افزایی»<sup>۱۶۴</sup> میان زیرسیستم‌ها است که سبب مطلوبیت می‌شود؛ زیرا، با ایجاد «هم‌پوشانی»<sup>۱۶۵</sup>، موجب می‌شود که زیرسیستم‌های سازمان‌های ایجادشده بر پایه آن، مکمل یکدیگر بوده و کاستی‌های هر یک را که در وضعیت واگرا برایشان مشکل ساز بود، برطرف می‌کند. اگرچه لازم است که غایت هر سازمان یا نهادی، پارادایمیک شود، اما برای شکل‌گیری ابرسازمان‌های تمدنی، شرطی ضروری و گریزناپذیر به‌شمار می‌آید؛ بنابراین، در مثال مربوط به جامعه بین‌المللی مسلمان، غایت پارادایمیک برای تحقق «تمدن اسلامی»<sup>۱۶۶</sup>، «امر مقدس توحیدی»<sup>۱۶۷</sup> است که محقق

System Convergence . ۱۵۴

Solidarity . ۱۵۵

Diverge . ۱۵۶

۱۵۷ . برای مطالعه بیشتر در خصوص نظریه وابستگی متقابل (Interdependence) در روابط بین‌الملل؛ ر.ک: Power and Interdependence, Boston, Little Brown, (۱۹۷۷) Kohane, R.O, Nye, J. S

Affection . ۱۵۸

Sense of Common Threat . ۱۵۹

Systematic Solidarity Glue . ۱۶۰

Organize . ۱۶۱

Institutionalization . ۱۶۲

Build of Civilizational Organization . ۱۶۳

Synergy . ۱۶۴

Overlap . ۱۶۵

Islamic Civilization . ۱۶۶

۱۶۷ . برای مطالعه بیشتر درباره غایت تمدن اسلامی و امر مقدس توحیدی (The sacred monotheism)،



۳۳۳

نظریه‌گزینش

هستی‌شناسانه:

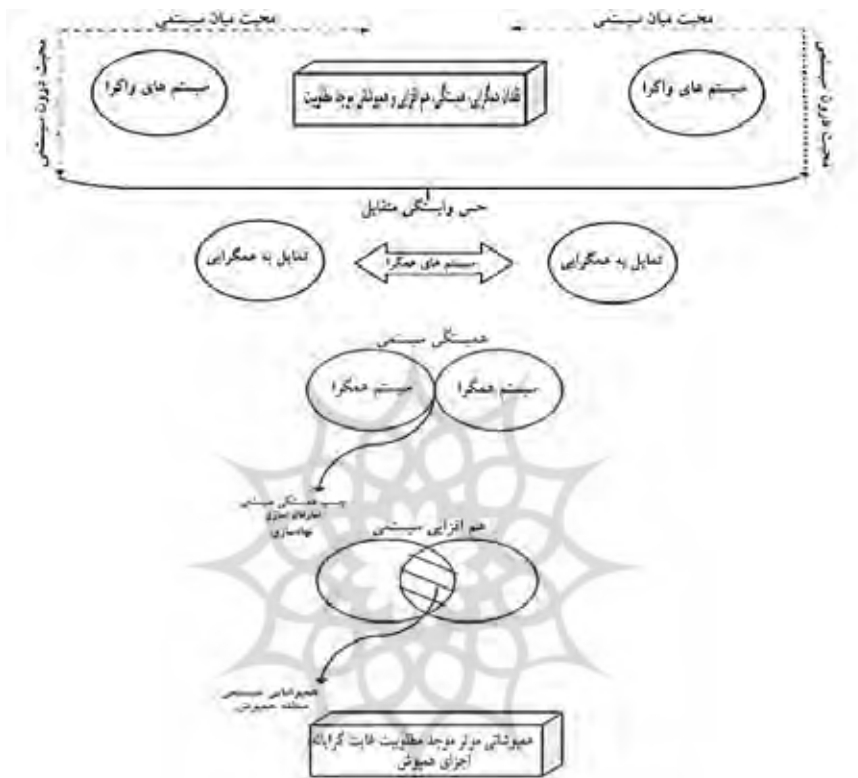
چهارچوبی برای

آینده‌پژوهی پدیده‌های

بین‌المللی

شدن آن برای ایجاد ابرسازمان تمدن اسلامی، ضروری است. در شکل شماره (15)، همگرایی اجزای واگرا در شکل گیری سازمان‌ها، نهادها، یا ابرسازمان‌های تمدنی به تصویر کشیده شده است.

شکل شماره (15). همگرایی اجزای واگرا در شکل گیری سازمان‌ها، نهادها، یا ابرسازمان‌های تمدنی

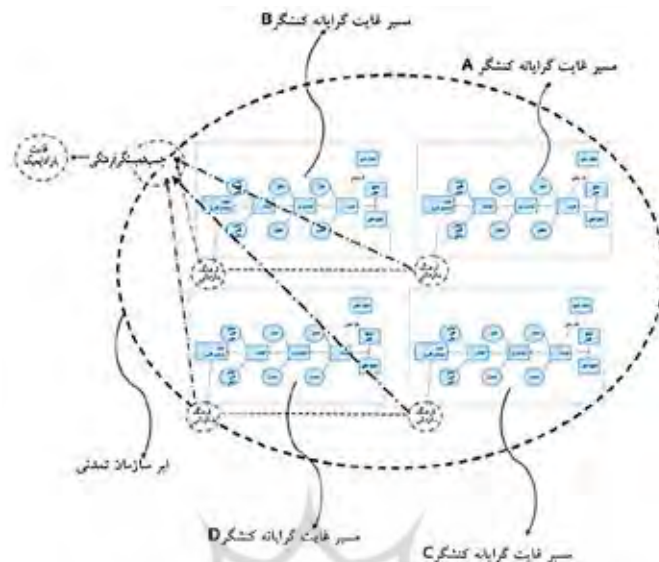


پیش از این، به تمدن سازی و پارادایمیک شدن غایت برای تحقق ابرسازمان‌های تمدنی اشاره شد که در شکل شماره (16)، به تصویر کشیده شده است.



ر.ک: ملکی، مصطفی و زارعی، غلامرضا (۱۳۹۶)، «فلسفه و غایت تمدن ناب اسلامی براساس آرا و اندیشه‌های علامه جعفری»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره اول، صص ۶۹-۴۵.

شکل شماره (۱۶). پارادایمیک شدن غایت برای تحقق ابرسازمان‌های تمدنی



## ۵. انحراف از غایت در سیستم‌های سازمان جامعه بین‌المللی

پس از تبیین مسیر غایت‌گرایانه سیستمی، لازم است که این مسئله بررسی شود که «آیا ممکن است در فرایند تحلیل، مطالعه هستی و غایت سیستم‌ها در عرصه بین‌الملل به پژوهشگر دروغ بگوید؟» یعنی «آیا ممکن است که پژوهشگر در تحلیل کنش‌های سیستمی یا آینده‌پژوهی برون‌دادهای واحدهای سازمانی عرصه بین‌الملل، با وجود درکی جامع از غایت آن‌ها، با اشتباه در تحلیل روبه‌رو شود؟» در پاسخ به این پرسش‌ها، به مفهوم «انحراف از غایت»<sup>۱۶۸</sup> تحت تأثیر «موتاژن»<sup>۱۶۹</sup>‌ها اشاره شده است. موتاژن‌ها، منابع یا ژن‌هایی از سیستم‌های پیرامونی هستند که به سبب تأثیرگذاری آن‌ها، سیستم دچار تغییر می‌شود و در نتیجه، شاهد تغییر در هستی آن واحدهای سازمانی و دگرگونی در فرایند غایت‌گرایانه آن‌ها هستیم. این دگرگونی، کنش‌های واحدهای سازمانی را دچار تغییر می‌کند؛ تغییری که در طول زمان رخ می‌دهد و به آن «موتاسیون»<sup>۱۷۰</sup> می‌گویند؛ «اما این تغییر در سیستم‌ها چگونه رخ می‌دهد؟» در واقع،

Deviation From The Teleos . ۱۶۸

۱۶۹. موتاژن (Mutagen)، در علم ژنتیک، یک عامل فیزیکی یا شیمیایی جهش‌دهنده است که ذخیره اطلاعاتی و ژنتیکی موجود زنده را دچار تغییر کرده و در نتیجه، آن را با دگرگونی و تغییر روبه‌رو می‌کند؛ براین اساس، موتاژن، منبع، ژن، یک عامل یا دگر معانی پیرامونی است که هستی سیستم و در نتیجه، فرایند غایت‌گرایانه آن را با تغییر روبه‌رو می‌کند؛ در نتیجه، کنش‌های سیستم نیز تحت تأثیر موتاژن، تغییر می‌کنند. برای مطالعه بیشتر درباره موتاژن‌ها ر.ک:

https://en.wikipedia.org/wiki/Mutagen , ۰۱-۰۸-۲۰۱۹ Mutagen", Extraction Date"

Mutation . ۱۷۰

تغییرهای یادشده می‌توانند در حکم «ترمیم سیستمی»<sup>۱۷۱</sup> بوده و مثبت ارزیابی شوند، یا تأثیرات منفی‌ای در مسیر غایت گرایانه سیستم به‌جای بگذارند، به اثراتی بستگی دارد که این موتاژن‌ها بر فرایندهای ادراکی و به‌گزینش‌های سیستمی دارند. درواقع، موتاژن‌ها بر پایه «اصل تصویر»<sup>۱۷۲</sup>، می‌توانند بر مسیر غایت‌گرایانه سیستمی اثرگذار بوده و «توهم به‌گزینی»<sup>۱۷۳</sup> در سیستم‌ها را در درک عقیده‌مندی‌ها و غایت‌گزینی در پی داشته باشند. به‌گزینی در چنین وضعیتی را «به‌گزینی القایی»<sup>۱۷۴</sup> یا «به‌گزینی هدایت‌شده»<sup>۱۷۵</sup> می‌نامند. براین اساس، سیستم‌ها در رویارویی با موتاژن‌ها، چهار کنش را از خود بروز می‌دهند که عبارتند از: «تغییر کامل»<sup>۱۷۶</sup>، «تغییر کمینه»<sup>۱۷۷</sup>، «بدون تغییر»<sup>۱۷۸</sup>، و «ترمیم کنترل‌شده»<sup>۱۷۹</sup>. در تغییر کامل، سیستم در مسیر غایت‌گرایانه‌اش، با تغییر منابع یا ژن‌های خود تحت تأثیر موتاژن‌ها، ادراک‌ها، و به‌گزینش‌های آن، به‌گونه‌ای دچار تغییر می‌شود که هویت‌ها، عقیده‌مندی‌ها، اهداف، و غایتش به‌طور کامل تغییر می‌کند؛ اما در تغییر کمینه، اگرچه سیستم بر اثر تأثیر موتاژن، شاهد تغییرهایی جزئی در هستی خود است، اما غایت آن به‌گونه‌ای دگرگون نمی‌شود که در کنش‌های سیستم مشخص شود؛ یا اینکه این تغییر در اهداف سیستمی دیده می‌شود، اما به‌ندرت در سطح غایت واحد سازمانی نمایان می‌شود. همچنین، در تأثیر بدون تغییر موتاژن‌ها بر هستی سیستم، اثر القایی و هدایت‌کننده موتاژن‌ها، بر اثر فعالیت «ژن‌های اصلاح‌کننده»<sup>۱۸۰</sup>، خنثی شده و در نتیجه، شاهد تغییری در کنش‌های سیستمی نخواهیم بود؛ سرانجام، ممکن است که سیستم از طریق ژن‌های

۱۷۱ . System Modification

۱۷۲ . بر پایه اصل تصویر (Image Principle)، بر ساخته‌های تصویری پیرامونی می‌توانند بر کنش‌های سیستم‌های دیگر، اثرگذار باشند. اگرچه حراری به‌طور مستقیم به این اصطلاح اشاره نکرده است، اما در موارد زیر تلاش کرده تا به این نکته اشاره کند که چگونه رسانه‌ها، مدیریت‌کننده ذهنیت مردم هستند و درواقع، چگونه می‌توان از پیرامون سیستم‌ها، تصاویری را برای تغییر آن‌ها القا کرد؛ ر.ک:

Noah Harari, Y "Why Fascism is so tempting; and how your data" (۲۰۱۸), Extraction Date ۲۰۱۹-۰۸-۰۱, [https://www.ted.com/talks/youval\\_noah\\_harari\\_why\\_fascism\\_is\\_so\\_tempting\\_and\\_how\\_your\\_data\\_could\\_power\\_it?language=fa](https://www.ted.com/talks/youval_noah_harari_why_fascism_is_so_tempting_and_how_your_data_could_power_it?language=fa)

Noah Harari, Y (۲۰۱۸), U.S.A, Spiegel & Grau Lessons for the ۲۱st Century.

۱۷۳ . Illusion of Best Selection

۱۷۴ . Induction Best Selection

۱۷۵ . Guided Best Selection

۱۷۶ . Complete Change

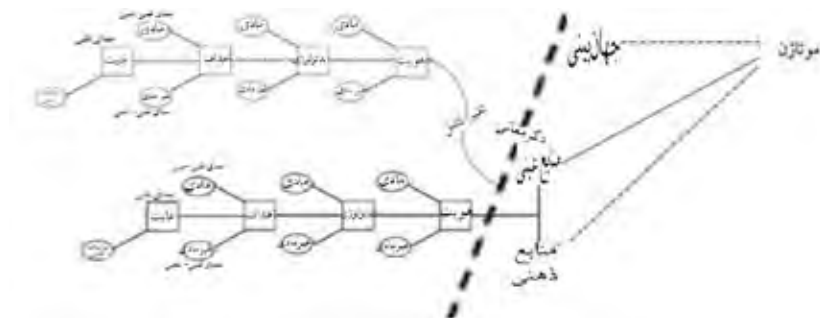
۱۷۷ . Minimum Change

۱۷۸ . Unchanged

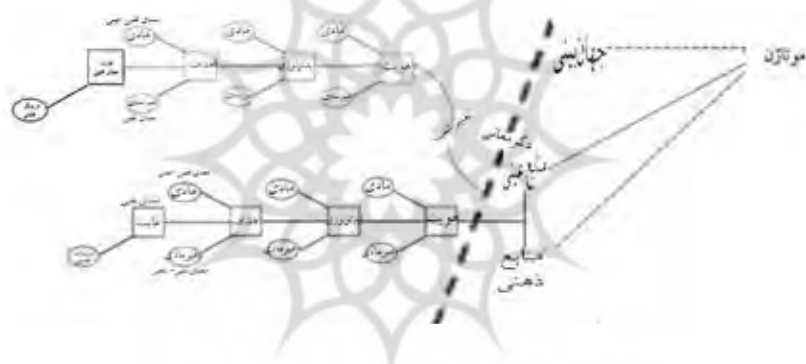
۱۷۹ . Controlled Restoration

۱۸۰ . ژن‌های اصلاح‌کننده (Modifying Genes)، منابع یا ژن‌هایی از درون سیستم هستند که بر اثرات موتاژن‌ها تأثیرگذار بوده و سیستم را به مسیر اصلی منطبق با غایت آن، بازمی‌گردانند.

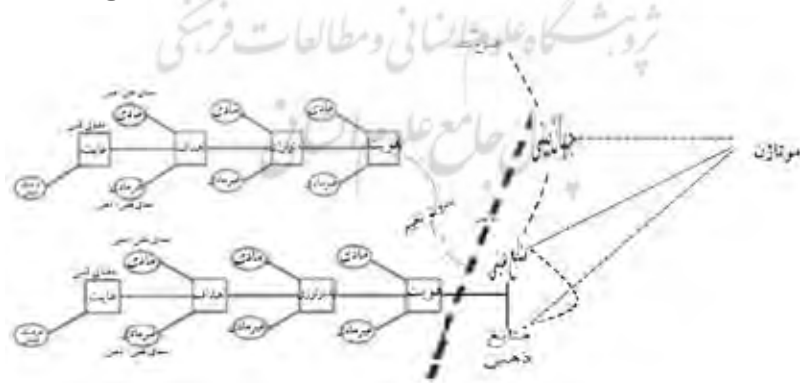
اصلاح کننده‌اش، هستی خود و در نتیجه، روند غایت‌گرایانه‌اش را به گونه‌ای کنترل شده ترمیم کند که این نوع متاژن‌ها را ترمیم کنترل شده می‌نامند. در شکل‌های زیر، تأثیر متاژن‌ها بر سیستم‌ها نشان داده شده است. شکل شماره (۱۷). تغییر کامل تحت تأثیر متاژن یا دگر معانی پیرامونی



شکل شماره (۱۸). تغییر کمینه تحت تأثیر متاژن یا دگر معانی پیرامونی

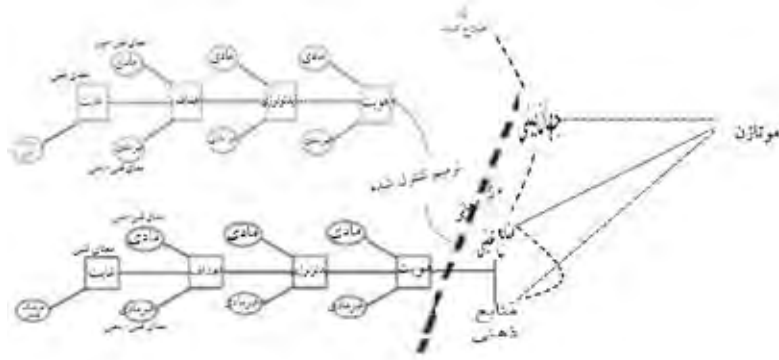


شکل شماره (۱۹). بدون تغییر (تحت تأثیر متاژن یا دگر معانی پیرامونی) در نتیجه تأثیر ژن‌های اصلاح کننده سیستمی

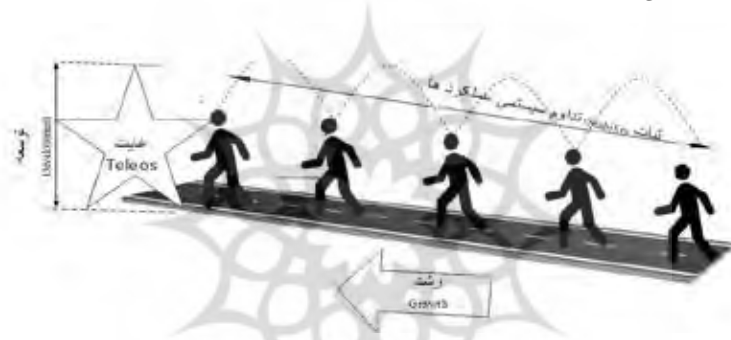




شکل شماره (۲۰). ترمیم کنترل شده (تحت تأثیر موتاژن یا دیگر معانی پیرامونی) در نتیجه تأثیر کنترل شده ژن‌های اصلاح‌کننده سیستمی



شکل شماره (۲۱). ثبات، رشد، و توسعه در کنش‌های راهبردی سیستمی



گفتنی است، از آنجا که «ثبات»، «رشد»، و «توسعه» نیز از ویژگی‌های سیستم‌ها به‌شمار می‌آیند، موتاژن‌ها بر این موارد نیز تأثیر می‌گذارند و از این رهگذر، بر کنش‌های سیستمی مؤثرند.<sup>۱۸۱</sup>

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، تلاشی بود به‌منظور ارائه نظریه‌ای سیستمی برای تحلیل و آینده‌پژوهی کنش‌ها و رخداد‌های عرصه بین‌الملل. نگارندگان این پژوهش، کنشگران سازنده پدیده‌های عرصه بین‌الملل را سیستم‌هایی در سازمان جامعه بین‌المللی می‌دانند و از این‌رو، بر این نظرند که تحلیل داستان‌های موجود در پس کنش‌های آن‌ها، بر پایه نظریه ارائه‌شده، یعنی «گزینش هستی‌شناسانه» امکان‌پذیر است. بر این اساس، درک اجزا و روابط میان آن‌ها در سازمان جامعه بین‌المللی برای تحلیل پدیده‌های این عرصه ضروری است. برای فهم پدیده‌های بین‌الملل باید ادراک‌ها و به‌گزینش‌های کنشگران درک شود؛ زیرا، سیستم‌ها بر پایه معانی برآمده از

۱۸۱. ثبات (Stability)، رشد (Growth)، و توسعه (Development) از ویژگی‌هایی است که می‌بایست در کنش‌های راهبردی سیستمی وجود داشته باشند. بر این اساس، ثبات، تداوم عملکردی در کنش‌های سیستم است؛ رشد، حرکت در طول اهداف سیستم، به‌سوی غایت است، توسعه نیز حرکت است؛ حرکت عرضی، در ابعاد سیستمی و غایت آن.

ادراک‌های درونی و پیرامونی (دگر معانی پیرامونی) خود به‌گزینش کرده و کنش‌های مناسب را برمی‌سازند.

این پژوهش به موضوع چگونگی فهم ادراک‌ها و به‌گزینش‌های سیستمی توجه ویژه‌ای داشته است و در این راستا، ضمن اشاره به مؤلفه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه عینی و ذهنی با رویکرد یگانگی تحلیلی خود، برای فهم ادراک‌ها و به‌گزینش‌های سیستمی، درک به‌گزینش‌های آن‌ها مبتنی بر مطالعه منابع مادی و معنایی سیستم و فهم مسیر غایت‌گرایانه آن‌ها را ضروری می‌داند. بر این اساس، برای رسیدن به چنین ادراکی از کنش‌های سیستم و آینده‌پژوهی و کنش‌های آن، باید ژن‌های مادی و معنایی غالب در سیستم‌ها را که بر مسیر برسازی هویت، ایدئولوژی، اهداف، و سرانجام، غایت مادی و معنایی آن تأثیرگذارند، بررسی کنیم. اگرچه این پژوهش، انحراف از غایت سیستم‌ها را ناممکن نمی‌داند، لیکن با بررسی انواع موتاسیون‌ها و با معرفی ژن‌های اصلاح‌کننده، تلاش کرده است، چگونگی و میزان تغییر یا اصلاح سیستم‌ها را در نتیجه حضور معانی‌ای که آن‌ها را موتاژن می‌نامد، بررسی کند.

آنچه این مقاله از آن با عنوان داستان‌های موجود در پس‌پدیده‌های عرصه بین‌الملل یاد می‌کند، در واقع، هستی‌کنشگرانی است که در جامعه بین‌المللی و در سیستمی گسترده و شبکه‌ای، با یکدیگر در ارتباط هستند؛ کنشگرانی که هر یک از غایتی برآمده از سیستم سازمان خویش برخوردارند و از این رو، این هسته، داستانی است که کنش، به‌فعلیت درآمدن آن است. از این دیدگاه، هر کنشی، فعل و فرهنگی است پسینی که داستان پیشینی خویش را دارا است؛ داستان‌هایی که عناصر سازنده آن‌ها منابع، هویت‌ها، ایدئولوژی (عقیده‌مندی‌ها)، اهداف، و غایت مادی یا معنایی سیستم‌هایی است که به‌صورت یک فرهنگ در کنش آن‌ها نمایان می‌شود. به‌همین سبب، پژوهش حاضر، درک این داستان‌ها را برای فهم پدیده‌ها، ضروری می‌داند؛ زیرا، کنش‌ها، روایتگر داستان‌هایی هستند از گزینش‌های معطوف به هستی سیستم‌ها. نگارندگان در پژوهش‌های بعدی، کاربردهای این نظریه را بررسی کرده و بی‌تردید، از بیان مباحث نظری آن اجتناب خواهند کرد؛ به‌عنوان مثال، با توجه به ژن‌های مادی و معنایی سازنده سازمان اروپایی، غایت این سیستم، «صلح اقتصادی» است؛ زیرا، ژن مادی اقتصاد در میان اروپایی‌ها غالب بوده که بر هویت، ایدئولوژی، اهداف، و غایت آن‌ها تأثیرگذار است و افزون‌بر این، ژن معنایی تاریخی که نشان‌دهنده پرهیز از جنگ و همگرایی برای هم‌افزایی‌های اقتصادی است نیز در آن‌ها غالب است. این غایت، یعنی «صلح اقتصادی»، داستانی دارد که کنش‌های سازمان اروپایی، برآمده از آن هستند. بر این اساس، همان‌گونه که به‌زودی در نوشتاری دیگر گفته خواهد شد، موتاژن‌هایی مانند «برگزیت»، نخواهد توانست این همگرایی را به‌سوی واگرایی کامل و ازهم‌پاشیدگی بکشانند؛ چنین تحلیلی، خود، دفتری است که در آینده خواهیم گشود.



## References

- Aivazi, M. R. (2016). Political Future Research. Strategy, Year 25, No. 79. (in Persian).
- Amiri Vahid, M. (2002). Theory of Clash of Civilizations; Huntington and his Critics, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, third edition. (in Persian).
- Asadi, H. & Sasani, F. (2017). Otherisation in the Foreign Policy Discourse of Mohammad Reza Pahlavi. Research Language, Al-Zahra University (peace be upon him), Ninth year, No. 22. (in Persian).
- Azdanlou, H. (2005). Basic Concepts of Sociology. Tehran: Ney. (in Persian).
- Bagheri Dehabadi, A. (2014). Investigating the Approaches and Dimensions of Technological Hegemony over Humans. Interdisciplinary Studies in Media and Culture, Vol. 4, No. 7. (in Persian).
- Bahrani, M. (2012). Political Affair. Journal of Political Science, Year 8, No. 4. (in Persian).
- Barzegar, E. (2002). The Concept of the Teleos in the Political Thought of the West and Islam. Law and Politics Research, No. 6. (in Persian).
- Bashiriyeh, H. (2003). Teaching Political Knowledge. Tehran: Contemporary View. (in Persian).
- Bavandian. A. (2001). Cognition of Epistemology; Artistic Epistemology. Andisheh, No. 177. (in Persian).
- Bell, W. (2011). Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and the Good Society. London and New Brunswick: Transaction Publishers.
- Borchert, D. M. (1996). Encyclopedia of Philosophy. New York: Simon and Schuster Macmillan.
- DeHart, W. (2002). Dualism. Translated by: Amir Diwani, Qom, Soroush. Published under the Title: Philosophy of Self. Qom: Taha. (in Persian).
- Durant, W. (1993). History of Civilization. Translated by: Ahmad Aram, Tehran: Islamic Revolution Publishing House, Vol. 1. (in Persian).
- Eghtedari, A. M. (2003). Organization and Management; Organizational System and Behavior. Tehran: Molavi. (in Persian).
- Fered. R, D. (2009). Strategic Management. Translated by: Ali Parsaiyan and Seyed Mohammad Arabi, Tehran: Cultural Researches, 13th edition. (in Persian).
- Fontaine, P. (2010). Europe in 12 Lessons. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- Ghezelsofla, M. T. (2010), Contexts and Characteristics of Semanticiŝt Political



۳۴

پژوهشنامه ایرانی  
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره  
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- Thought. Politics Research, 12th year, No. 29. (in Persian).
- Griffiths, M. (2009). Encyclopaedia of International Relations and World Politics. Translated by Alireza Tayyeb, Tehran: Ney Publication. (in Persian).
- Hafeznia, M. R. (2005). Principles and Concepts of Geopolitics. Tehran: Papoli. (in Persian).
- Halding, D. & Reginald, J. (2008). History of Western Philosophy. Translated by: Abdul Hossein Azrang, Tehran: Qoqnoos. (in Persian).
- Heipertz, M. & Verdun, A. (2010). Ruling Europe; The Politics of the stability and Growth Pact. USA: Cambridge University Press.
- Hikmat Mehr. M. M. (2010). Examination and Criticism of Cartesian Dualism. Research Institute of Islamic Thought and Culture. Mind Quarterly, No. 45. (in Persian).
- Imani Khoshkho, M. H. & Shahrabi Farahani, M. (2018). Presenting the Framework of Cultural Tourists. Perception of Travel with an Emphasis on Spirituality (Case Study: Isfahan). Baghe Nazar, No. 68. (in Persian).
- Ingold, T. (1996). The Traditional Anthropological Project of Cross-cultural or Cross-societal Comparison. Key Debates in Anthropology, London and New York: 1996, P 18.
- Jasbi, A. (1989). Defining a System. Management Futures, Vol. 1, No. 4. (in Persian).
- Jervis, R (1978), Cooperation Under the Security Dilemma. World Politics, Vol. 30, No. 2, pp. 167-174.
- Kahlaki, Gh. (2011). Analysis of the Impact of the Periodic Change of EU Presidency on the Performance of this Union. Master's Thesis. Tehran: Islamic Azad University of Sciences and Research. Faculty of Law and Political Sciences. (in Persian).
- Kahlaki, Gh., Ahmari, H. & Rahimpouresfahani, H. (2016). Structural Analysis of Cyber Terrorism and Legal System's Approach to It. International Relations Research, First Period, No. 19. (in Persian).
- Kaplan, Y. (2018). (Re) Considering Sovereignty in the European Integration Process. Asian Journal of German and European Studies, Vol. 3, No. 1, pp.1-11.
- Kaſt, R & Rosenzweig, J. (1970). Organization and Management: A Systems Approach. New York: McGraw Hill. p.119.
- Kaveh, Sh. (2007). Holisticism in Future Studies. Methodology of Human Sciences, No. 52. (in Persian).
- Kcohane, R & Nye, J. (1972). Transnational Relations and World Politics.

USA: Harvard University Press.

Kennedy, E. (1979). Ideology from DeStutt De Tracy to Marx. Journal of the History of Ideas, Vol. 40, No. 3, pp.353-368.

Khosropanah, A. H. & Yazdani Far, S. (2016). Jurisprudence Management System and Policy Making and Planning Process. Farhang Culture Strategy, No. 36. (in Persian).

Kohane, R.O & Nye, J. S. (1977). Power and Interdependence. Boston: Little Brown.

Kuhn, T. (1970). The Structure of Scientific Revolutions. Chicago: University of Chicago Press.

Kuhn, Th. (1970). The Structure of Scientific Revolutions. Translated by: Ahmad Aram, Tehran: Soroush Publications. (in Persian).

Maleki, M. & Zarei, Gh. (2017). Philosophy and Teleos of Pure Islamic Civilization Based on the Opinions and Thoughts of Allameh Jafari. Political Researches of the Islamic World, 7th year, 1st issue, pp. 45-69. (in Persian).

Morodfarge, Philip . (2013). Geopolitical Culture. Translated by Seyyed Hamed Raziei. Tehran: Contemporary Farhang. (in Persian).

Moshirzadeh, H. (2004). Constructivism as a Meta-Theory of International Relations. Politics, No. 65. (in Persian).

Moshirzadeh, H. (2004). Structuralism as a Meta-Theory of International Relations. Tehran University of Law and Political Science Journal, No. 65. (in Persian).

Moshirzadeh, H. (2009). Identity and Conceptual Fields of International Relations. Politics; Journal of Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Vol. 39, No. 4. (in Persian).

Motahari, M. (2002). Man and Faith. Collection of Works, Vol. 2, Tehran: Sadra Publications. (in Persian).

Nasri, A. (1998). Relation between Religion and Ideology. Qabasat, No. 7. (in Persian).

Neufeld, M. (1994). Reflexivity and International Relations Theory. Positivism; Critical Reflections on International Relations, Edited by Claire Turenne Sjolander and Wayne S.Cox, London: Lynne Rienner, pp.11-13.

Noah Harari, Y. (2018). 21 Lessons for the 21st Century. U.S.A: Spiegel & Grau.

Omidi, A. (2013). Triple Methodological Approaches in Social Science Studies and Its Comparison with Allameh Tabatabai's Theory of Credit Perceptions. Hekmat and Philosophy, 9th year, 4th issue. (in Persian).



۳۴۲

پژوهشنامه ایرانی  
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره  
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- Pahlavanian, H. (2008). A Successful Experience of the Application of Strategic Management. Tehran: Nikoravesh Publications. (in Persian).
- Pierce, J. E. (2009). Strategic Management (Planning, Implementation and Control), Translated by Seyyed Mahmoud Hosseini, Tehran: Samt. (in Persian).
- Qavam, A. A. & Zargar, A. (2009). Nation-State Building and Theory of International Relations; an Analytical Framework for Understanding and Studying the World of Nation-States, Tehran: Islamic Azad University, Sciences and Research. (in Persian).
- Raofi, M. H. (2002). Systemic Thinking and Thinking Systems. Tadbir, No. 130. (in Persian).
- Reus, S. (2001). Constructivism. Theories of International Relations, By Burchill, S, Linklater, A. USA: New York, Palgrave, pp.217-239.
- Robbins, S. (1997). Organization Theory (Structure, Design, Applications). Translated by Seyyed Mahdi Alwani and Hassan Danaeifard. Tehran: Moj. (in Persian).
- Rourke, J. (2010). International Politics on the World Stage. New York: McGraw Hill.
- Salimi, H. & Sajjadi, M. (2016), Formation of Network Order in International Relations and the Role of Social Capital in the Search for Sustainable Peace. Political Science Journal, issue.3. (in Persian).
- Santayana, G. (2011). The Life of Reason or the Phases of Human Progress (Introduction and Reason in Common Sense). Massachusetts and London: MIT Press.
- Shajari, H. & Karimi Hosnijeh, H. (2008). Euro, the European Currency. Business Research Journal, No. 10. (in Persian).
- Sharifi, A. H. (2017). Investigation of Sadra's Model of Rational Choice as a Method for Explaining Human Actions. Social Cultural Knowledge, No. 1. (in Persian).
- Shokohi, A. (2006). Theology of Professor Motahari. Islamic Social Research, No. 58. (in Persian).
- Stirk, P. & Weigall, D. (1999). The Origins and Development of European Integration. London and New York: Pinter.
- Tabatabai, S. M. H. (1995). Principles of Philosophy and the Method of Realism. With an Introduction and Commentary by Morteza Motahari. Tehran: Sadra. 4th Edition, Vol.1.(in Persian).
- Tavasoli, Gh. A. (1990). Theories of Sociology. Tehran: Samt (in Persian).
- Wendt, A. (1987). The Agent-Structure Problem in International Relations

Theory. International Organization, Vol. 41, No. 3, pp.335-370.

Williams, C., Smith, A. D. (1993). The National Construction of Social Space. Progress in Humman Geography, Vol 7, No 4.

Yazdani Ahmadabadi, A. (2017). Contextual art and Its Role in Motivating Behavior in the Creation of Islamic Culture and Civilization. Asre Adineh, No. 23. (in Persian).

Zehfuss, M. (2002). Constructivism in International Relations: The Politics of Reality. Cambridge University Press.

Zouragh, M. H. (2007). Communication and Awareness (Concepts, Basics and Methods). Broadcasting Faculty Publications, Vol. 1. (in Persian).

"Mutagen", Extraction Date 2019-08-01, Available at: <https://en.wikipedia.org/wiki/Mutagen>.

Noah Harari, Y. (2018). Why Fascism is so Tempting and How Your Data Could Power It. Extraction Date 2019-08-01, Available at: [https://www.ted.com/talks/yuval\\_noah\\_harari\\_why\\_fascism\\_is\\_so\\_tempting\\_and\\_how\\_your\\_data\\_could\\_power\\_it?language=fa](https://www.ted.com/talks/yuval_noah_harari_why_fascism_is_so_tempting_and_how_your_data_could_power_it?language=fa).

"European Union; About the EU", Extraction Date 2019-08-06, Available at: [https://europa.eu/european-union/about-eu/countries\\_en](https://europa.eu/european-union/about-eu/countries_en).

"EU Position in World Trade", Extraction Date 2019-08-10, Available at: <http://ec.europa.eu/trade/policy/eu-position-in-world-trade/>.

"Economic and Monetary Union", Extraction Date 2019-08-10, Available at: [https://ec.europa.eu/info/business-economy-euro/economic-and-fiscal-policy-coordination/economic-and-monetary-union\\_en](https://ec.europa.eu/info/business-economy-euro/economic-and-fiscal-policy-coordination/economic-and-monetary-union_en).

"What is the Euro Area", Extraction Date 2019-08-10, Available at: [https://ec.europa.eu/info/business-economy-euro/euro-area/what-euro-area\\_en](https://ec.europa.eu/info/business-economy-euro/euro-area/what-euro-area_en).

"Schengen Area", Extraction Date 2019-08-15, Available at: [https://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/policies/borders-and-visas/schengen\\_en](https://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/policies/borders-and-visas/schengen_en).

"European Union; Goals and values of the EU", Extraction Date 2019-08-6, Available at: [https://europa.eu/european-union/about-eu/eu-in-brief\\_en](https://europa.eu/european-union/about-eu/eu-in-brief_en).

Icelandic Human Rights Centre, The Role of the European Union (EU). Extraction Date 2019-08-10, Available at: <http://www.humanrights.is/en/human-rights-education-project/human-rights-concepts-ideas-and-fora/human-rights-actors/the-role-of-the-european-union-eu>.

«تفکر سیستمی»، تاریخ استخراج: 1397/8/20، <http://systemstories.ir>.



۳۴۴

پژوهشنامه ایرانی  
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره  
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲